

بحران در روابط چین و آلبانی

یادداشت وزارت امور خارجهٔ چین

در بارهٔ

قطع اجباری کمک چین به آلبانی

نامهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب کار و دولت آلبانی

به

کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست و دولت چین

پیشگفتار

جنبش بین‌المللی کمونیستی چندی است که دستخوش بحرانهای درونی متعدد شده است. این بحران‌ها که بیشک عمیق‌ترینشان امروز بصورت شکاف‌علنی میان حزب کارالبانی و حزب کمونیست چین بروز کرده‌اند، نمی‌توانند نثرانی و توجه‌نم کمونیست‌ها وانقلابیون ایران را بر نیانگیزانند. اختلاف در درون صفوف کمونیست‌ها و احزاب مارکسیستی-لنینیستی با توجه به پیچیدگی مبارزه طبقاتی در سطح ملی و بین‌المللی و بروز انحرافات در این زمینه‌ها امری غیر طبیعی نیست و قدرت‌خلاقه مارکسیسم-لنینیسم از جطه در راه-یابی و رانگشائی در این مبارزه می‌باشد.

تجربه غلبه رویونیسم در اتحاد جماهیر شوروی و پیوستن این کشور و یارهای از کشورهای دیکراسی تودهای به حلقه‌های زنجیر جهان سرمایه‌داری-امپریالیستی و تبدیل بسیاری از احزاب کمونیست و کارگری سابق به نوکران رویونیست امپریالیسم و سوسیال‌امپریالیسم در همین دوران، و همچنین تجربه بسیار ارزشمند و آموزنده مبارزه احزاب کمونیست راستین چون حزب کمونیست چین و حزب کارالبانی بر علیه رویونیست‌های خروشچنی جهت حفظ و حراست از آرمانهای طبقه کارگر، هیچ‌هم که نشان ندهند یا می‌آموزد که دفاع از مارکسیسم-لنینیسم و پیشبرد مبارزات پرولتاریای جهانی، نیازمند هوشیاری همیشگی و متدکمونیست‌هاست.

جنبش بین‌المللی کمونیستی از درون سادها مبارزه علیه رویونیست‌های پرشتنسی و سوسیال‌شونیست‌های کاتوستکیستی، ترسکیستیها، رویونیست‌های تیتویستی و رویونیسم خروشچنی-پرژنی و دارودسته‌های لئوشاچی و لین‌بیائو در سیاه‌پنگ ابدیده شده و بسا کسب تجربه‌هایی غنی هر بار با صفوفی مستحکمر به پیش‌رفته است. این جنبش پس از غلبه بر رویونیسم مدرن خروشچنی، با انحرافات متعدد راست و "چپ" مواجهه بوده‌است، ولیکن آنچه که امروز در عرصه آن تبلور چشمگیری دارد و بیشک عمده انحراف درونی اش را نمایندگی میکند، انحراف یکدست راست‌روانه و رویونیستی موسوم به "شوری" سه جهان" می‌باشد. انحرافی که جنبش بین‌المللی کمونیستی و نهضت‌های آزاد بیخ‌ش ملی را به انحلال تهدید کرده و در صورت غالب شدنش آنها را به دنباله‌های بورژوازی و رویونیسم تبدیل خواهد نمود. مبارزه با این انحراف یکی از وظایف اساسی کمونیست‌ها بوده و بروز و عمق کوی اختلافات در سایر زمینه‌ها نمیتواند بر آن پرده پوشاند.

یادداشت وزارت امور خارجه چین، درباره قطع اجباری کمک چین به آلبانی.

سفارت جمهوری توده ای سوسیالیستی آلبانی در چین، وزارت امور خارجه جمهوری توده ای چین احترامات خود را به سفارت جمهوری توده ای آلبانی در چین تقدیم مینماید و مفتخر اعلام میکند که:

پدرخواست دولت آلبانی، دولت چین، از سال ۱۹۵۴، با در نظر داشتن تحکیم دوستی میان دو مردم و روابط مسالمت آمیز میان دو کشور و با پیروی از موازین مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری، کمک های اقتصادی و نظامی در اختیار آلبانی قرار داده است. اجرای توافق نامه های میان آلبانی و چین برای دولت چین بیش از ۱۰ میلیارد یون ری من بی خرج داشته که بیشتر آن پرداخت شده است. چین توافقی کرد که به آلبانی برای ساختمان ۱۴۲ پروژه کامل، که ۹۱ عدد از آنها کامل شده، ۲۳ عددشان تماماً کامل یا در دست ساختمان اند و ۱۷ پروژه دیگر نقشه برداری شده و در شرف طرح ریزی میباشند، کمک نماید. رشته های جدید صنعتی که با کمکهای چین در آلبانی ساخته شده اند شامل فولاد، آهن، کود شیمیائی، کربنات سدیم، سیمان، شیشه، تصفیه مس، کافد پلاستیک و تجهیزات نظامی می باشند. پروژه هایی که با کمکهای چین در رشته های صنعتی موجود در آلبانی ساخته شده اند، از جمله، برق، ذغال سنگ، نفت، ابزار ماشین، صنایع سبک، پشمی، مصالح ساختمانی، مخابرات و ارتباطات جمعی، به گسترش قابلیت تولید آنها بسیار کمک کرده است. چین مقادیر زیادی اسلحه و وسایل را بطور رایگان در اختیار آلبانی قرار داده است. قریب به ۶۰۰ متخصصین در عرض سالهای گذشته برای تکمیل پروژه ها به آلبانی فرستاده شده اند. چین به آلبانی برای تعلیم تعداد زیادی کادرهای اقتصادی و نظامی و تکنیکی که بیش از ۲۰۰ نفرشان در چین تعلیم دیده ماند باری رسانده است. برای هر فرد بیطرفی روشن است که چین وجداناً توافقی نامه های کمک به آلبانی را انجام داده و آنها را با ایمان نکرده است و کمک های چین به تقویت و نه تضعیف رشد اقتصادی و ساختمان نظامی آلبانی باری رسانیده است.

چین در حالیکه خود با مشکلات زیادی روبرو بوده به آلبانی کمک رسانیده است. ما ۱/۸ میلیون تن غلات، در زمانیکه ذخیره غذائی خودمان ناکافی بود، به آلبانی تحویل دادیم. ما بیش از یک میلیون تن محصولات فولادی در زمانیکه خودمان باندازه کافی نداشتیم در اختیار شما قرار دادیم. ما در حالیکه سطح صنعتی کشاورزی خودمان هنوز پائین بوده و اساساً نیروی انسانی و حیوانات با برکتیکه میکنم، بیش از ۱۰۰۰۰ تراکتور در اختیار شما گذاریم. گرچه حجم تولید نیروی برق خودمان ناکافی است، ما شما برای کامل کردن و بنا در مجموع کامل نمودن بخش ایستگاه تولید برق به اندازه های مختلف با حجم ۸۸۵۰۰۰ کیلو وات کمک کردیم. و بدین ترتیب آلبانی قادر شد تا بیش از نیازش برق تولید نماید. ما تانک ها و ضد بمب افکن های تازه ساخت چین را حتی قبل از اینکه ارتش خود ما به آنها مجهز شود، در اختیار ارتش شما قرار دادیم. ما برای کارخانه شیمیائی نیرویی 'فیری' شما با ارز خارجی مورد نیاز خودمان، وسائل مورد نیاز را خریدیم و بکشور شما صادر کردیم. ما برای شما در طول بیش از ۱۲ سال آزمایشهای مخصوص و تولید آزمایشی جهت تأسیس مجتمع ذوب کامل فلزات شما با استفاده از مواد خامتان، کربالت، آهن، کرم و رسوب خاص میکای نیکل، در حالیکه خودمان هیچ تجربه عملی نداشتیم و تکنولوژی و وسائل مورد نیاز در بازار جهانی موجود نبود، با خرج بیش از ۱۰۰ میلیون یون ری من بی انجام دادیم. از ۲۹ کارگاه این مجتمع، ۲۰ عدد از آنها کامل شده و مشغول کار میباشند. این پروژه به آلبانی کمک نمود تا برای اولین بار در مارس ۱۹۷۶ آهن و فولاد خودش را تهیه کند.

چین با اقتصاد و بنیه صنعتی ضعیفی آغاز کرد و در سالهای اخیر اقتصاد ملی ما تحت تاثیر خرابکاری لین بیائو و "دارودسته چهار نفر" و همچنین بلایای جدی طبیعی قرار داشته است. در نتیجه طبیعی است که ما نمیتوانستیم هر چه شما میخواستید و در هر زمانی که میخواستید تحویل دهیم. ولیکن مردم چین با متانت تمام میتوانند بگویند که آنها در غذا و پوشاک صرفه جویی کردند و تمام سعی خود را بکار بردند تا با روحیه انترناسیونالیسم پرولتاری به آلبانی کمک نمایند.

همچنین باید خاطر نشان ساخت که علیرغم حملات کلاهک آمیز آلبانی به میاستنهای داخلی و خارجی چین در سالهای اخیر، ما به اجرای قرارهای خود ادامه دادیم. در سال ۱۹۷۵ ما پرداخت یک وام ۵۰۰ میلیون یون ری من بی را تحویل کردیم و یک قرارداد جدید نظامی رایگان را امضاء نمودیم. از آغاز کنگره هفتم حزب کار آلبانی در نوامبر ۱۹۷۶، رهبران آلبانی حملات زهرآگین آشکار را بر علیه رهبر کبیر مردم چین، صدر مائو و حزب کمونیست چین آغاز نمودند و جدا احساسات مردم ما را آزرندند. حتی در این شرایط، چینی

دستی میان مردم چین و آلبانی را ارزشمند ارزیابی کرده و به کمک‌های خود ادامه داد. متخصصین چینی متعاقب قرارداد بکار خردانامه دادند. از سال ۱۹۷۷ تا بحال، چین نزدیک به ۲۰۰۰۰ تن ابزار و آلات کتکی اقتصادی به آلبانی صادر نموده و در تکمیلها در مجموع تکمیل ۱۰ پروژه ساختمانی کمک نموده و بازپرداخت بدین ۲۱۷ میلیون یون چینی بی به مود سال ۱۹۸۰ را بنا به درخواست دولت آلبانی به دوره سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۱ موکول و قراردادای پیرامون مقررات دریافت ابزارهای یدک وسائل نظای به رایگان با آلبانی امضاء نمود. توسعه دستی خالصانه ایکه توسط دولت و مردم چین برای مردم آلبانی ابزار میشود و آزری آنان در حفظ همکاری بین دو کشور، برای توده های وسیع خلقی آلبانی و کادرها و سربازانش بدیهی و آشکار است.

رهبران آلبانی در چندین مناسبت از کمکهای چین بسیار قدردانی نموده اند: انور خوجه، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کار آلبانی، در گزارش به کنگره ششم حزب در تاریخ ۱۹۷۱ گفت که چین " کمک عظیم و بیخوش انتزاعی و بیمنتی " به آلبانی داده است و " مردم آلبانی و حزب کار از مردم چین و حزب پرافتخار کمونیست چین و صدر مائوتسه دون بخاطر کمکهای بیادرا نه به ساختمان سوسیالیسم، برای سعادت و قدرت همین سوسیالیستی میان هیئت اسبازگار است. " انور خوجه و مهمت شیخود در پهای از طرف کمیته مرکزی حزب کار آلبانی به صدر مائو، نخست وزیر چین لای و کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، در نوامبر ۱۹۷۵ خاطرنشان ساختند که " جمهوری تودهای خلق چین همچنین بوسیله تحویل تسلیحات مهمات و افزار جنگی در زمینه دفاع ملی به جمهوری توده ای آلبانی کمک نموده اند. کمکهای که شما در زمینه دفاع ملی ما نموده اید اهمیت عظیمی برای مردم و حزب ما دارد. " ولی در حال حاضر آلبانی بخاطر نیازهای سیاست داخلی و خارجی خود در عین تشدید عملیات سیاسی ضد چین خود، گستاخانه بکمکهای چین به آلبانی زبان زده و سعی در تخریب همکاری اقتصادی و نظامی بین دو کشور میکند. در اینجا ط فقط برخی از واقعیات بخاطر را مذکر می‌شود.

۱- در ریح اول سال ۱۹۷۸ زمانیکه نایب وزیر صنایع و معادن آلبانی با ط پیرامین کمک چین برای ساختمان مجتمع مرکب لوب کامل فلزات و سایر پروژه ها وارد مذاکره شد و امضا ر فریزه که برنامه تحویل نقشه ها و ابزار آلات کارخانه های فلزات سرد روفه فولاد، لوبه بدون درز و قالبگیری چدن را در قیاب نتایج آزمایشات مربوطه همین گنیم. وقتی ما باین درخواست نا- معطل اعتراض نمودیم، او از هرگونه مشورت بعدی امتناع جسته و اظهار نمود که مباحثی که آلبانی طرح نموده است " نهائی و قطعی " میباشد و او گستاخانه به مذاکرات پایان داد. این

نتیجه حل یکسری مسائلی را که میبایست به مذاکره گذارده شود، آمد نمود بلکه همچنین کار پروژه کارخانه فلزات گرم روفه فولاد و کارخانه جوش لوله که بتوافق، رسیده بود را نیز تعطیل نمود.

۲- متخصصین چینی از مدتها قبل در مورد لزوم رعایت دقیق قوانین تولیدی پالا- یشگاه مرکب پالاش که در حرارت و فشار زیاد تولید میکند و محصولاتش آتشزا و قابل انفجار هستند، بتفصیل به کارکنان و مدیریت آن پالایشگاه توضیحاتی دادند. گرچه بعد از آنکه پالایشگاه در اوائل سال ۱۹۷۸ به تولید پرداخت، مدیریت آلبانی راهنمایی های متخصصین چینی را نادیده گرفته و قوانین امور تولیدی را زیر پا گذاشتند و بنا بر این ۸ حادثه جدی را در طول سه ماه باعث گشتند. برای نمونه قانونی وجود دارد که بر بنای آن محتوی آب نعت خام مصرفی در واحد تصفیه هیدروژنه نباید از یک درصد تجاوز نماید. ولیکن (ماورین) آلبانی در تولید آزمایشی پالایشگاه از نفت خامی با محتوی آب معادل با ۷۰ درصد استفاده نمودند و بنا بر این تولید را قطع نمودند. آنچه جنبه جدی تری یافت، در واحد تکمیل بود که در تحت شرایط عادی مسئول کار بود. افراد آلبانی تمامی شیوه های مربوطه را در پشت سر متخصصین چینی بستند و دستگاه را به گذاختن بیش از اندازه واداشتند. این عمل آشکارا برای ایجاد حادثه مهیبی بود تا تقصیر بگردن متخصصین چینی افتد و چین رسوا گردد.

۳- در مورد پروژه پایگاه دریائی که برایگان از طرف چین در حال ساختمان بود؛ علت تراکد ماندن کار تاخیر در کشف قناتهای آب سرد و بخاطر زمین شناسی ناقص آلبانیسی بود. در اکتبر ۱۹۷۷ آلبانی از چین درخواست فرستادن شخص برای رفع مشکل را نمود. چین در جوابیه ای در ژانویه ۱۹۷۸ با صرف مدتی وقت برای مطالعه بگردن این صانه پاسخ مثبت باین درخواست داد. ولیکن آلبانی تحت نوای تاخیر در پاسخ دهی چین نظر خود را عوض کرده و انجام کار را خود گرفته و کمک چین به این پروژه را قطع نمود. بیش از این، از موقعیت استفاده کرد تا در مجموع به کمک نظامی چین حمله برده و به چین برای " زبان زدن " به امور دفاع ملی آلبانی، اقترا زد.

۴- چین در مارس ۱۹۷۸ آلبانی را پیرامین لزوم استرداد باریکه چرخ میله هلی- کپترهای صادره از چین، برای آزمایش و تعمیر - بخاطر پیدایش نقائص در پروژه تور- لیدی آن- مطلع نمود. این کار با حسن نیت انجام پذیرفته شده بود و میبایست با جواب مساعد آلبانی روبرو میشد. ولیکن آلبانی از فرستادن باریکه ها برای آزمایش و تعمیر امتناع جست و در عین حال ادعا نمود که چین مسئولیت هرنوع سانحه ای را داراست. این دیگرمهمل است.

۵- در قرارداد منظور شده و پروسه عادی تولیدی است که تولید آزمایشی

تنها زمانیکه شرایط لازمه مهیا می‌باشد باید صورت گیرد. ولیکن در ماه مه ۱۹۷۸ آلبانسی اصرار ورزید که متخصصین چینی بنا به تصمیم آلبانی تولید آزمایشی را بدون شرایط لازمه در کارخانه تولید ابزار ماشینی انور که جدیداً گسترش یافته بود و در معدن نغال سنگ والی آغاز نمایند. زمانیکه متخصصین چینی مخالفت ورزیدند آلبانی خود در عین اینکه اظهار می‌داشت که در صورت بروز اشتباهی چین را مسئول خواهد شناخت، دست بکار شد. از سوی دیگر آلبانی در تضاد با قرارداد با ایجاد مستمرک های دیگری از اعضا یا داداشت پیرامون آغاز تولیدی پروژه هائیکه تولید آزمایشی خود را از سر گذرانده بودند، چون کارخانه آجریزی نیمه سوز و کوره ذوب آهن و برخی کارخانه های مجتمع مرکب ذوب فلزات، افتتاح ورزید.

۶- طبق تجربه عادی بیش از ۲۰ سال و موافق قرارداد بود که چین بیلبانسای مربوطه را همراه با هر تحویل ابزار و آلات پروژه ها تحویل داده و ظرفین خرج پروژه کامل شده را در مرحله توافق نهائی، زمانیکه موازنه مربوطه باین یا آنطرف معامله پرداخت میشد، تعیین میکردند. ولیکن آلبانی در ماه مه ۱۹۷۸، بیکباره از قبول ۲۵ بیلبان بالغ بر نزدیک ۱۰ میلیون ین رن مین بی که برای ابزار و آلات و خرج آنان برای پروژه های کفکی ساخته شده و در طی دسامبر ۱۹۷۷ تا آوریل ۱۹۷۸ از طرف چین تحویل شده بود، امتناع ورزید. این تصور در قرارداد، ادامه فعالیت عادی در همکاری میان دو کشور را غیر ممکن ساخت.

۷- در کوره ذوب مجتمع مرکب ذوب فلزات تلی از مواد سوخته بعلت بی اعتنائسی متخصصین آلبانی نسبت به رهنمود های تکنیکی متخصصین چینی، توده شد. بعضی اینسکه متخصصین چینی این را در ۱۷ مارس ۱۹۷۸ پیدا نمودند. موسسه مدیران کارخانه را مطلع ساختند. آنان مکرر در مکر اقدامات مثری را جهت تقیل زبان های وارده و جلوگیری از گسترش تل سوخته پیشنهاد کردند که مورد توجه قرار نگرفت.

به ۲۲ ماه مه نرسیده بود که شرکت وارداتی ماشین آلات آلبانی به چین پیشنهاد بکار گرفتن متخصصین چینی را جهت ترکاندن تل سوخته در کوره مطرح نمود. مادامیکه چین مشغول مطالعه مثبت این درخواست بوده و در حال تصویب آن بود، وزارت امور خارجه آلبانی یادداشتی را در ۳۱ ماه مه ۱۹۷۸ فرستاد که چین میبایست کسی را در عرض ۲ یا ۳ روزه آلبانی بفرستد تا مشکل کوره رفع گردد. و یا آلبانی خود تل سوخته را خواهد ترکانید و چین را مسئول عواقب آن خواهد دانست. این خواسته اولتیماتوم مآب نمیتوانست مورد قبول هیچ کشور مستقنی قرار گیرد و در واقع غیر قابل انجام دادن بود. با این حال چین برای حفظ همکاری میان دو کشور اعلام نمود که در صورتیکه آلبانی واقعا تمایل به بکار گرفتن یک متخصصین چینی دارد باید یادداشتی را برای چین جهت بررسی ارسال دارد. ولیکن آلبانی در فرستادن هرگونه یادداشتی

امتناع ورزید. تمامی اینها نشان اینست که آلبانی عامدانه مسائلی را ایجاد مینمود تا همکاری را تعطیل نماید.

۸- وزارت امور خارجه آلبانی در یادداشت های مورخ ۲۹ آوریل و ۲۰ مه ۱۹۷۸ دست به اتهامات کاملاً بی اساسی زد که گویا متخصصین چینی " قصد عامدانه تخریب اقتصاد آلبانی را داشته" و اینکه چین دست به " ایجاد موانعی" در کک خود به آلبانی " در مخالفت با قرارداد" زده و " باعث زیانهای جدی" به اقتصاد آلبانی وغیره شده است. در ۷ ژوئن ۱۹۷۸، وزارت امور خارجه چین یادداشتی در جواب به آلبانی ارسال داشت و امید خود را مبنی بر تبادل نظر از طریق رد و بدل یادداشت و حل اختلافات موجود در همکاری میان دو کشور اظهار داشت تا ادامه همکاری ممکن شود. ولیکن سفیر آلبانی در چین از دریافتن این یادداشت و حل مسائل از طریق مذاکرات امتناع ورزید.

تمامی فاکتورهای فوق نشان میدهند که رهبری آلبانی به پیروی از راه ضد چینی تصمیم گرفته، عامدانه قرارداد های امضا شده میان طرفین جهت کک چین به آلبانی را قطع نموده، به متخصصین چینی اقترا بسته و اتهاماتی بر علیه شان دست و پا نموده و همکاری اقتصادی و نظامی میان چین و آلبانی را با نفته و بطور منظم تخریب نموده و لذا ادامه فعالیت کککی را مادامیکه از رسیدن به حل مشکلات از طریق مذاکره جلوگیری مینماید، غیر ممکن مینماید. در چنین شرایطی، دولت چین چاره دیگری جز قطع کک اقتصادی و نظامی خود و ککهای مالسی خود به آلبانی و بازگرداندن متخصصین اقتصادی و نظامی خود که در حال حاضر در آنجا مشغولند ندارد. دولت چین اصدوار است که دولت آلبانی امکان بازگشت متخصصین چینی را فراهم نخواهد ساخت. ایجاد وقفه در همکاری اقتصادی و نظامی میان چین و آلبانی کاملاً حاصل اعمال آلبانی بوده که میبایست مسئولیت کامل آنرا بعهده گیرد.

دولت چین همواره دوستی میان خلقهای چین و آلبانی را ارزشمند دانسته و کماکان امیدوار است روابط عادی میان چین و آلبانی توسعه یافته و باقی بماند.

وزارت امور خارجه جمهوری توده ای چین، از این فرصت استفاده کرده، بار دیگر به سفارت جمهوری توده ای سوسیالیستی آلبانی اطمینان میدهد که عالمتین مسأله حشرات را رهایت خواهد نمود.

بکن ۷، ژوئیه ۱۹۷۸

نامه کمیته مرکزی حزب کار و دولت آلبانی به کمیته مرکزی حزب کمونیست و دولت چین.

به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و شورای دولتی جمهوری توده ای چین
در ۷ ژوئیه ۱۹۷۸ وزارت امور خارجه جمهوری توده ای چین نامه ای رسمی بسمطارت
جمهوری توده ای سوسیالیستی آلبانی در پکن تسلیم کرده که در طی آن تصمیم دولت چین
مبنی بر قطع کمکهای اقتصادی و نظامی و قطع پرداختی های مالی به آلبانی و بازگرداندن
تخصصین اقتصادی و نظامی اش، که تا آن تاریخ در آلبانی مشغول فعالیت بودند را اعلام
نمود.

شما با این عمل بیجان شکنانه و خصومت آمیز نسبت به آلبانی سوسیالیستی و بدون
ملاحظه توافقات رسمی حاصله میان دو کشور را بدو انداخته، بصورت خودسرانه و بیرحمانه ای
فوائد و معیارهای اولیه بین المللی را زیر پا گذاشته و اختلافات ایدئولوژیک را تا سطح روابط
دولتی با آلبانی کشانیده اید.

شما با برداشتن چنین گامی خصومت آمیز در پی فربه و صدها زدن به اقتصاد و قدرت
نظامی کشور ما و تخریب آرمان انقلاب و سوسیالیسم در آلبانی میباشید. در همین حال شما چنان
دوستی برادرانه میان خلقهای آلبانی و چین را از بین میبرید. شما با بدخواهی نسبت به یک
کشور سوسیالیستی چون جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی، دشمنان سوسیالیسم و انقلاب را
خشنود میکنید. سلطنت چنین عمل ارتجاعی و ضد آلبانی و همچنین نتایج اینکار کاملاً بجانب
چین است.

کمیته مرکزی حزب کار آلبانی و دولت آلبانی قطع بهرحمانه کمک و وام به آلبانی سو-
سیالیستی را در برابر افکار صیوسی جهان بعنوان عملی ارتجاعی که از موضع یک قدرت متهدر
صورت میگیرد، بعنوان عملی که در شکل و محتوی همان تکرار و تکرار و وحشیانه و شوونیستی نتیقه
خرونیجف و برزف میباشد، که زمانی چین آنانرا محکوم میکرد، محکوم میکند.

کمیته مرکزی حزب کار آلبانی و دولت آلبانی کوششهایی که علی بادداشت چین جهت
مقرر دانستن آلبانی میشود، و تهمت هایی بی پایه ای که به رهبری اش تحت عنوان باصطلاح

حق شناسی نسبت به کمکهای چین زده میشود، و نیز تهمت باصطلاح اتهامات تخریبی در روابط
اقتصادی و نظامی میان دو کشور را رد مینماید. برای هر فرد عادی این غیر قابل قبول هیچ
میباند که آلبانی، یعنی کشوری کوچک که علیه محاصره و انسداد امپریالیستی-رئویونیستی
مبارزه کرده، که به فعالیت همه جانبه و وسیعی جهت رشد سریع اقتصادی و اجتماعی کشورش
دست زده، مکه بطور خستگی ناپذیری برای تقویت قوای نظامی سرزمین سوسیالیستی اش کوشیده،
خواهان و عامل قطع روابط دو جانبه اقتصادی با چین باشد و از کمک و وامهای نظامی و غیر نظامی
صرف نظر نماید.

خلق آلبانی، حزب و دولتشان با الهام از آموزشهای مارکسیسم-لنینیسم و اصول
انترناسیونالیسم پرولتری، با خلوص نیت و بطور پیگیری برای تقویت دوستی و همکاری برادرانه
و کمک متقابل مابین آلبانی و چین مبارزه کرده اند. آنان همواره کمکهای چین به آلبانی را
بسیار تقدیر نموده، آنانرا بمثابه کمک انترناسیونالیستی خلق چین، ککی در خدمت ارمان صوسی
انقلاب و سوسیالیسم در جهان، ککی از سوی کشوری که سوسیالیست نامیده شده، قلمداد
نموده است. و حال همچون گذشته، خلق آلبانی، حزب و دولتشان مابین آلبانی از این کمک
و نفعان بمثابه عاملی در کار سایر عوامل خارجی در توسعه کشورشان، پایبند است.

آلبانی سوسیالیستی هیچگاه به دوستی خود با خلقهای سایر کشورها بمثابه وسیله
انتظامی اقتصادی چشم نداشته است. در همین حال آلبانی سوسیالیستی به هیچکس اجازه نداد
دهد که کمک اقتصادی و همکاری را یک سرمایه گذاری برای خود قلمداد نماید تا از این طریق
نظرات سیاسی و ایدئولوژیک که مغایر مارکسیسم-لنینیسم و سوسیالیسم اند را به کشور ما
دیگه و تحمیل نماید. جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی هیچگاه اصل خود را نفروخته و بر
سرانان معاطه ننموده است.

زمانیکه حزب کار آلبانی از حزب کمونیست چین در مقابل حمله رئویونیستهای خرو-
شچلی در جلسات احزاب کارگری و کمونیستی سال ۱۹۶۰ در بخارست و مسکو بدفاع پرداخت
اینکار را با آگاهی کامل بخاطر دفاع از اصول مارکسیسم-لنینیسم نمود و نه بخاطر اینکه در
مقابل از چین چند کارخانه و چند تراکتور دریافت نماید. زمانیکه آلبانی سوسیالیستی، سالها
سال از حقوق چین توده ای در سازمان ملل متحد در مقابل توطئه های ایالات متحده دفاع
نمود نه بخاطر امتیازات مادی بلکه بخاطر دفاع از یک ارمان عادلانه و اصولی بود. زمانیکه
حزب کار آلبانی و طبقه کارگر ما از اهداف استراتژیک انقلاب فرهنگی پشتیبانی نمود، نه بخاطر
یاداش بلکه ناشی از خواست آنان جهت کمک به طبقه کارگر، کمونیستها و خلق چین برای نجات
کشورشان از عناصر سرمایه داری که قدرت را در چین تسخیر کرده بودند بود.

دولت چین برای موجه جلوه دادن قطع کنکهای خود به البانی بالجهار خود را محدود به "استدلالات" تکنیکی و اقتصادی مربوط به فعالیت‌های روابط بین دول نموده است. شما اینکار را جهت سرپوش‌گذاشتن بر انگیزه‌های اصلی‌تان که شما را مجبور به انجام چنین اقدام خصومت‌آمیزی علیه البانی سوسیالیستی نموده کرده‌اید.

قطع کک و واصلها به البانی نمیتواند ناشی از "فاکت" قطار شده در یادداشت دولت چین، منی بر اینکه کوبا "نایب‌رئیس‌وزیر صنایع و معادن البانی" ... با مشورت بیشتر مخالفت ورزیده ... و بشرطانه مشاورات را قطع نموده است" و اینکه تخصصین البانی "رهنتو" های تکنیکی تخصصین چینی را در مورد تصفیه نفت "ناپیده گرفته اند" اینکه نقشه پروژه نظامی چینی بدین هلت ناموفق بوده که از جانب "تخصصین البانی در کشف قاتهای آب-پس ده" بخاطر نقشه برداری نامناسب در زمین شناسی تاخیر شده بود" و اینکه البانی "مقیم خود را با ثقل کار و خاتمه دادن به کک چین برای این پروژه تغییر داده است" و اینکه البانی "توسیهات گوناگونی و در مفایرت با توافقات طحرحه از خود ساخته و نیز از اضاء یادداشت برای لغاز کار پروژه ها اضعان ورزیده است" و اینکه البانی "بیکاره از قبول ۲۰ رسید بالغ پسر ۱۰۰ میلیون بن رهنمینی اضعان جسته است" و اینکه "بخاطر عدم توجه البانی نسبت به رهنمود تکنیکی تخصصین چینی پتلی از مواد نیم سوخته در محل کوره مخصوص فابری آهن بوجود آمد" و تخصصین البانی رفع این مشکل را بدون تامل برای دریافت کک از چین به عهده خود گرفتند که "سفیر البانی در چین از قبول یادداشت ۲ ژوئن ۱۹۷۸ دولت چین اضعان نموده است" باشد.

این "استدلالات" و "فاکتها" که از طرف دولت چین طرح شده اند، نشانه ساختگی و تحریف شده اند، بلکه حتی اگر هم تحریف شده و ساختگی نبودند، هیچگاه نمیتوانستند یک پایه معنوی و یا قانونی قرار گیرند که بر اساس آن دولتی بتواند با تکیه بر آنان دست به قطع یکجانبه و بیرحمانه کک اقتصادی و نظامی به کشور دیگری بزند، آنهم بین دو کشوری که مدت مدیدی در اتحاد نزدیکی قرار داشته اند.

انگیزه های حقیقی پشت این قطع کک و واصلها به البانی آنطور که یادداشت دولت چین برداشت میدهد یک خصوصیت صرفا تکنیکی نداشته بلکه بهکس دارای خصوصیت همسبکی سیاسی و ایدئولوژیکی میباشد. کمیته مرکزی حزب کار البانی و دولت البانی در نامه خود تصویر کاملا روشنی از این انگیزه های سیاسی و ایدئولوژیکی بدست خواهد داد. ولیکن در وهله نخست برای اثبات عدم تطابق "استدلالات" ساخته شده دولت چین با واقعیات، بر این موضوع کتک میکنیم.

دولت جمهوری سوسیالیستی خلق البانی افکار عمومی جهان را با حقایق روابط اقتصادی میان البانی و چین، بویژه مسائلی که در یادداشت دولت چین مطرح شده از طریق انتشار متن کامل یادداشت های جادله شده مربوطه میان دو کشور آشنا خواهد ساخت. در اینمورد برخی "فاکتها" طحرحه در یادداشت دولت چین را توضیح خواهیم داد.

یادداشت مورخه ۷ ژوئیه چین با قطار کردن یکسری آثار و ارتام دستچین شده پیرامون کک به البانی، نیات لاف زنانه رهبری چین را در برابر دنیا منعکس نمینماید. ایسین رهبری درست بمانند رهبری روزیونیسیت شوروی که با لافزنی یک دولت مقدر داتط پیرامون "کک" خود به البانی تبلیغات براه می انداخت، عمل میکند.

ما مجبوریم به رهبری چین خاطر نشان سازیم که لافزنی شان کاملا مفایر بیانیته های رسمی میباشند که زمانی خود دولت چین اعلام میداشت.

در اظهاریه جدی حکومت چین پیرامون ۸ اصل کک به سایر کشورها آمده است که: "حکومت چین همواره در دادن کک به کشورهای دیگر خود را بر اصول مساوات و انتقناع متقابل قرار میدهد. دولت چین هیچگاه چنین ککلی را نه صدقه یکجانبه بلکه امری متقابل تلقی نمینماید." چوئن لای در سال ۱۹۶۴ زمانیکه از ۱۴ کشور بازدید نمود، تاکید کرد که "... در صورتیکه ما در دادن کک بدیگران دچار لافزنی شویم، این شونیم دولت مقدر ما ب خواهد بود."

خلق، حزب و دولت البانی هیچگاه کک جمهوری تودمای چین و نقش آنرا در توسعه اقتصادی کشورمان انکار نکرده اند. آنان با حرکت از موضعی سرشار از احساسات خالصانه و این باور که کک از سوی دوست و با روحیه اصول سوسیالیسم اعطاء میشود، از این کک قدر دانی نموده و تصدیق مینمایند.

ولیکن طریقم تصویر بزرگ شده و شاخ و برگ داری از کک اقتصادی و نظامی چین به البانی، یادداشت چین کلمه ای از این واقعیت که البانی بنوع خود به چین کک کرده است، همانطور که در گذشته رهبران چین خودشان بیش از بیکار اعلام نموده اند، نمیگوید.

مائوتسه دون با قدر دانی از کک البانی به چین اظهار نمود: "قبل از هر چیز، ما میبایست از شما تشکر کنیم. چرا که شما در صف مقدم ایستاده اید، چرا که شما در شرایط بسیار سختی قرار گرفته اید و پیگیرانه برای دفاع از مارکسیسم - لنینیسم مبارزه میکنید. این خود امری بسیار ارزشمند است. این امر ارزشمندترین ارزشها است." (از خلاصه مذاکرات جلسه با هیات نمایندگی البانی، ۲۰ ژوئن ۱۹۶۲)

چون لای بنویس خود گفت: "رفقای آلبانی اغلب از پشتیبانی و کمک چین به آلبانی یاد میکنند. من ما را در اینجا تاکید کم که در وهله اول، آلبانی کمک و پشتیبانی زیادی نداشته است."

"... خلق چین هیچگاه آن زمان را از یاد نخواهد برد که روزیونیستهای مدرن به حزب کمونیست چین دیوانه وار حمله کرده و افترا زدند، و علیرغم تمامی فشارها، مشکلات و مضطربات، حزب کار آلبانی با اختیار موضعی صحیح، دلارانه در مقابل این گرایش مخالف سینه سپر نمود و بر توطئه ضد چینی روزیونیستهای مدرن ضربه بیرحمانه ای وارد و آنان را رسوا نمود." (نوی پریولیت - ۹ ژانویه ۱۹۶۴، از سخنرانی در یک اجتماع در تیرانا)

چون لای در جای دیگری اظهار داشت که: "ما مشغول انجام وظیفه انترناسیونال خود هستیم و اگر بشما یاری ندهیم این خیانت بزرگی خواهد بود... شما بختابه سنگر سوسیالیسم در اروپا بر علیه امپریالیسم پروزیونیسم و کلبه مرتجعین مبارزه میکنید. اگر ما از کمک شما دریغ ورزیم، کمونیستهای انترناسیونالیست نبوده بلکه خائن خواهیم بود. پشتیبانی و کمک ما، یعنی چین و آلبانی، متقابل است. شما مشعل توافقتان ارضائید و مبارزه ای ضمیمه آنه و بدون مضایقه ای را به پیش میرید. این امر برای ما و برای کلیه خلقهای جهان، پشتیبانی و کمکی بزرگ است." (از خلاصه مذاکرات جلسه با هیات نمایندگی آلبانی، پکن، ۲۹ اوت ۱۹۶۱)

اظهارات مشابه این نیز از طرف کنگ شنگ شده: "من اغلب به رفقا گوشزد کرده ام و باز هم تاکید میکنم که رفقای آلبانی با کمک زیاد و عظیمی میکنند. ما نهایت فقط به کارخانه نیترات آمونیوم، کارخانه تولید برق حرارتی، و سایر کارخانه ها و کارگاه هایی که شما می دهید بذل توجه داشته باشیم، اینها در مقابل پشتیبانی مهمی که رفقای آلبانی به جنبش کمونیستی جهانی مبدول میدارند بختابه هیچ است." (از سخنرانی در مجلس شام با افتخار هیات نمایندگی چین، ۱۳ نوامبر ۱۹۶۶ در تیرانا)

ما از اینکه مجبور به انعام کمک آلبانی به چین هستیم خجلیم، چرا که آنچه حزب و خلق آلبانی برای چین و خلق چین انجام داده ناشی از حسن وظیفه کمونیستی و طبع از احساسات برادرانه و انترناسیونالیستی بوده است. ولیکن شما ما را مجبور به افاده آن نموده اید، چرا که شما با دنبال کردن جای پای خروشچف و برژنف به شمارش بین رفتی که به آلبانی داده اید، پرداخته اید.

دولت چین در یاد داشت خود سعی مینماید که در افکار عمومی این تصویر را ایجاد نماید که اگر آلبانی موفقیتی در توسعه اقتصادش داشته، این امر گویا ناشی از کمک چین بوده است. بدین منظور و برای تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی داخلی و بین المللی ارتقای که

در یاد داشت چین آمده عامدانه بزرگ و جعل شده اند. یاد داشت میکند که "اجراء قرار داد های حاصله میان چین و آلبانی مستلزم سرفایه گذاری بیش از ۱۰ میلیارد یین زمینهای از طرف دولت چین میباشد." این رقم خود ساخته ای است که با حقیقت وفق نمیدهد.

قبل از هر چیز، بایستی تاکید کرد که آنچه دولت چین کمک حساب میکند در واقع مجموعه اعتبارات، و تعهداتی است که از توافقات میان دولت ناشی شده و در انطباق با تمایلات و منافع طرفین و عمل عادی بین المللی در روابط میان دول مستقل، که دارای تعهدات دوجانبه اند، میباشد. بنابراین در این باره ما با صدقه و نذر مسیح وار مواجه نیستیم.

از سوی دیگر، بنا بر اسنادی که در نزد آلبانی قرار دارد این نتیجه حاصل میگردد که از دسامبر ۱۹۵۴ تا ژوئیه ۱۹۷۵ هفده قرارداد دولتی پیرامون تعهد اعتبارات چینی توده ای و آلبانی باضاه رسیده است. در میان این ۱۷ قرارداد، برخی از آنان حاوی کمک بصورت اعتبار به رویل قدیم و بعد به رویل جدید، و بعدتر به پوند انگلیسی و بالاخره به یین داخلی و با این تجارتی و یا دلاریالات متعدد احتساب شده است. با تبدیل پولهای مختلفی که در این قراردادها آمده به یین "تجارتی" بنا به نظنه ارزی که در هر دوره مربوطه بانک چین تعیین نموده است، نتیجه میشود که ارزش کل کمک اقتصادی چین بصورت اعتبارات اعطائی به

آلبانی از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۵، تاریخی که آخرین قرارداد به اضا رسیده، نه "بیش از ۱۰ میلیارد یین" اسعائی چین، بلکه فقط در مجموع ۳ میلیارد و ۵۳ میلیون یین تجارتی بوده است تا ژوئیه ۱۹۷۸، با فرض ارزش پیرویه های کامل و مواد عمومی به قیمتش که چین بطریق کجانبه تعیین نموده، آلبانی ۷۵٪ از این مبلغ را استفاده نموده است. ولیکن در اینجا باید تاکید کرد که ارزشهای آمده در بیلان بانک چین برای پیرویه های کامل و مواد عمومی بر اساس قیمتهایی که با "مشورت دوجانبه" حساب میشوند احتساب نشده، بلکه بر اساس قیمتهای خود ساخته ایست که از طرف چین بتنهائی تعیین شده، بدون هیچگونه مشورتی با آلبانی، با آنگونه که در قرارداد تصریح شده، بنابراین بازگرداندن بیلانهای پیرویه های ساخته شده در آلبانی از طرف بانک دولت آلبانی به بانک چین، آنطوریکه یاد داشت چینیست دست و پا میکند، بر "خلاف قرارداد" نبوده است.

قیمتهای پیرویه های کامل و مواد عمومی، که در بیلانهای فرستاده شده چین حساب شده، در تطابق با مواد قرارداد های رسمی ۸ ژوئن ۱۹۶۵ میان دولت جمهوری توده ای آلبانی و دولت چین و در انطباق با نکات مطرحه در مکاتبات ۲۲ دسامبر ۱۹۷۱ که صریحا میکند "قیمتها برای پیرویه های کامل و مواد عمومی... بدنبال مشاورت دوجانبه بر اساس اصول مطرحه پیرامون قیمتها قیمتهای تجارتی بین چین و آلبانی تعیین میگردند" قرار ندارد

تا آنجائیکه به کمک نظامی مربوط است، ارزیابی های چین کاملاً خودساخته است، چرا که قرارداد های تا سال ۱۹۶۷ این گروه، تمامی احتسابات، بدون مشاورت با آلبانی، به پول چین حساب شده، در حالیکه در قرارداد های بعد از آن تاریخ که اکثر آنها نظامی چین به آلبانی را در بر میگیرد، هیچ تعریف ارزشهای مشخص، چه به پول چینی و چه غیره نیامده است.

بنابراین، آن میلیاردین هائی که در یادداشت چین آمده جمع واقعی کمک نظامی و اقتصادی چین به آلبانی را بیان نمیکند، بلکه بیان ادعائی است که بر اساس حسابهای دل خواهانه، یکجانبه و خودساخته چین قرار دارد. ما تاکید میکنیم که چین برای توسعه اهداف بد خواهانه خود زمانیکه چنین ارقامی را پیش میگذارد سناقل را بحرانی کرد. حسابرسی کاملی بر اساس قرارداد ها، پروتکل ها و شروطی که از سوی طرفین تعیین شده خواهد شد و همچنین مقدار ضرر و خرابی حاصله از عدم جوابگویی بقرع به مفاد مقرر قرارداد از طرف چین که بر اقتصاد مان وارد نموده و بخش مهمی از پروژه ها را ناتمام گذارده و غیره، حساب خواهد شد.

دولت چین همچنین در سرانجام رسانیدن قرارداد های رسمی و پروتکل ها و شروطی که مشترکاً تعیین شده، برخورد مسئول نداشته است. اکثریت غالب پروژه های اقتصادی ساخته شده در آلبانی بر پایه اعتبارات چین همواره با تاخیر روبرو بوده، که از یک تا ۶ سال نوسان داشته است. پروژه هائی چون کارخانه فرو- کروم وجود دارند که قرار بود با اعتبارات چین به آلبانی و بر اساس قرارداد توافق شده در سال ۱۹۶۵ انجام شود که بخاطر قصور چین تا به امروز با تمام نرسیده است. ساختمان کمپلکس مجتمع مرکب ذوب فلزات، همچنین با تاخیر آغاز شده و تا به امروز بخاطر قصور چین فقط ۶۷٪ سرمایه از جمع ارزش کل این مجتمع بکار برده شده است و چین فقط ۷۴٪ ابزار و ماشین آلات را تحویل داده است.

این تخلفات آشکار قرارداد های رسمی از سوی چین بر اقتصاد آلبانی ضررهای عمیقی وارد نموده و مسئولیت کامل طاری و معنوی این امر بعهده دولت چین میباشد. زمانیکه تمامی اینها بر اساس مدارک رسمی و واقعیت های معین محاسبه شوند، آنگاه ملاحظه خواهد شد که کی به کی و چقدر بد هکار است.

در یادداشت چین کمک چین به آلبانی بعنوان عامل تعیین کننده در توسعه اقتصاد آن کشور ما نمایانده شده است. ولیکن هیچگاه چنین عاملی نبوده و نمیتواند باشد. عامل تعیین کننده، که هیچ کسی نمیتواند منکر شود، همانا فعالیت، مبارزه قاطعانه، پیکرانه و قهر مانانه خلق آلبانی تحت رهبری حزب کار آلبانی برای ساختن سوسیالیسم بر اساس اصول

از کشور خود بدست آورده است. مگر حزب کار آلبانی، دولت دیکتاتوری پرولتری آلبانی خلق آلبانی و نه بخاطر کمک های خارجی بوده است.

کمی که از چین دریافت شده تنها یک عامل فرعی محسوب میگردد. ارزش اعتبارات چین که بوسیله آلبانی تا آخر سال ۱۹۷۷ استفاده شده به درصد بسیار کوچکی از درآمد ما بالغ میگردد. این است واقعیت و نه آنچه چین سعی میکند گدازد و نامرد سازد که کوشی این چین بوده است که خلق آلبانی را زنده نگاه داشته است.

مفاهیم شورونستی دولت مقتدر، افکار رهبری چین را غبار آلود نموده و آنانرا مجبور کرده است که بزبان ملاکین فتوال سخن گویند. یادداشت چین بخود میباید که چین ۱/۸ میلیون تن گندم و غیره به آلبانی صادر کرده است. یادداشت تا مرز این پیش میروید که بگوید آلبانی "بخاطر نان چین، روح و بدن خود را بیفانه نهداشته است". این یک موضع مخاصانه بر علیه خلق آلبانی است. واقعیت اینست که آلبانی در طی سالهای ۲۵-۱۹۵۶ از چین گندم وارد کرده است. تنها این رقم با واقعیت وفق نمیدهد بلکه باید گفته شود که آلبانی تنها ۴۳۶ هزار تن گندم نان در طی این مدت بروی اعتبار از چین دریافت کرده، در همین حال حال مابقی را بصورت تجاری، یعنی با پرداختن برای آن تسویه حساب کرده است. اگر یادداشت چین ارقام مربوط به واردات گندم نانی به آلبانی بر اساس اعتبار و واردات گندم نانی بر اساس تسویه حساب را به یک رقم تبدیل کرده، چرا دولت چین از توضیح پیرامون آنچه از آلبانی دریافت کرده و آنچه آلبانی بر اساس تسویه حساب در طی ۱۹۷۷-۱۹۵۴ به چین صادر کرده طفره میبرد؟ آلبانی بیش از ۱/۷ میلیون تن نفت، بیش از ۱/۳ میلیون تن قیر نفتی، حدود ۲/۷ میلیون تن سنگ کروم و کروم غلیظ و غیره صادر کرده است.

دولت چین با طرح کمک نظامی در یادداشت خود وعظنی کردن این یادداشت، حامدانه اسرار نظامی مربوط به دفاع از جمهوری سوسیالیستی توده ای آلبانی را علنی نموده است. دولت چین با چنین عملی عمیقاً به امر دفاعی جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی آسیب و به دشمنانش پیروزه به نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی و امریالیسم آمریکا و نیروهای پیمان ورشو و سوسیال امریالیسم شوروی، یاری رسانیده است. این یک عمل عهد شکنانه بوده و دولت چین مسئولیت کامل آنرا بعهده دارد.

بخش خاصی از یادداشت دولت چین در برگیرنده کوششهایی است که خلق زحمتکش آلبانی را به باطلاح عدم احترام و ناسازگاری در همکاری با شخصین چینی که به آلبانی آمده اند شتم میکند. اینها اختراعاتی تمام و کمال اند، و ما زحمت رد کردن آنانرا بخود نمیدهیم

ما مطمئن هستیم که هیچ متخصص چینی که در میان خلق ما زندگی کرده و با آنان کار کرده است در ته قبض این اتهامات را تصدیق نمیکند. در تمام این مدت، کارگران، متخصصین و مدبران آلبانی با تخصصین چینی با روحیه ای مطراز برادری و دوستی همکاری نموده، فعالیتشان را بدرستی تحلیل کرده و به دانش و تجربه شان احترام گذارده اند.

یادداشت چین با دنبال کردن اهداف معینی، میگوید که در طی ۲۴ سال ۶۰۰۰ متخصص چینی به آلبانی فرستاده شده است. این رقم کلی برای پشتیبانی ساخته شده که گویا اعتبارات ساختمانی، صنعتی و کشاورزی و هر آنچه در آلبانی درست شده است بخاطر این ۶۰۰۰ متخصص میباشد. ولیکن ساختمان آلبانی نهی حاصل زحمات خود خلق آلبانی است. دهها هزار متخصص، مهندسان و تکنسین آلبانی در ساختمان پروژه های مختلف، آنهم بدون ذکر صد ها هزار تکنسین نیمه متخصص کارگران ماهر، هرروزه و پیگیرانه فعالیت نموده اند. بدون فعالیت و دانش اینان هیچ پروژه در آلبانی نمیتوانست ساخته شود.

یادداشت چین بدون ذکر مساله فوق، میگوید که متخصصین فرستاده شده چینی از خلق آلبانی حقوق بسیار خوبی دریافت نموده اند. این در یادداشت نیامده، ولیکن فراموش نمیکند ما را حاضران ذهن نماید که گویا چین ۱۰۰ میلیون خرج تجربه با آهن آلبانی نموده است و این مطالب در زمانی رانده میشود که تخصصین چینی بدستور منابع مافوق با ترک آلبانی هیچ نقشه ای برای تخصصین آلبانی بجای نگذاشته، بلکه با خود تمامی نقشه هایی که در آلبانی با کمک چین در حال ساختمان بوده و در نزد خود داشتند، بهمراه برده یا سوزانده اند. طبیعی است که بین دو همکار و میان دو دولت پیرامون مسائل اقتصادی مشکلاتی بروز نماید، که برای حل آنان به مشاورت تنها احتیاج میروید بلکه ناگزیر میباشد. ولیکن رهبری چین هیچ احتیاجی بانجام بحثهای عادی احساس نکرد، چرا که میخواست نظرات خود را بر آلبانی اعمال نماید. نتنها امروز، بلکه برای مدت زمانی طولانی قبل از این، چین به اشکال و روشهای گوناگون بر سر مسائل اقتصادی بر آلبانی فشار وارد نموده است. در دوران مشاورت پیرامون اضاء قرارداد تعهد کمک اعتباری چین به آلبانی، و سپس پیرامون نظارت بر این قرار دادها، بحثهای فراوانی در گرفت که آلبانی با موفقیت با نظرات رهبری چین که میکوشید توسعه یکجانبه اقتصادی را بر آلبانی تحمیل کرده و از توسعه سریع و پیوسته آن جلوگیری نماید، مخالفت نموده است.

در بحثهای طولانی، فشار رهبری چین تا بدان حد رسید، که تهدید به اختتام کار طرح کارخانه های مولد برق هیدرولیکی و آب-آبی-جیمس و فیزا را کرد تا ما این پروژه های صنعتی بسیار مهم را نسازیم. رهبری چین بنظر خود اینطور فکر میکرد که آلبانی قادر تکسین

طراح چنین کارخانه های بزرگ و غاضق مولد برق هیدرولیکی را با نیروی خود نداشته و بالاخره مجبور خواهد شد که ساختمان این پروژه ها را کنار بگذارد. ولیکن در انتها با ملاحظه اینکه آلبانی خود دست اندر کار طراحی این دو کارخانه مولد برق شده است، مجبور شد تا اعتبار دهد. و در واقع این دو کارخانه مولد برق هیدرولیکی بدست تخصصین آلبانی طراحی و ساخته شده است و تخصصین چینی تنها نقش مشاوره بجای طراحی آنرا ایفا نمودند.

فاکتها و اسناد بسیاری نشان میدهد که همواره زمانیکه سیاست چین چرخش بزرگ میکند که مورد توافق حزب و دولت آلبانی نیست دولت چین دست به وارد آوردن فشار و اقدامات جابراجه گوناگون اقتصادی میزند. این حرکات نفی کامل بیانیه های پر سر و صدا و تکراری دولت چین میباشد که بناست "در تعهد کمک بشکوره های دیگر، دولت چین اکتفا به استقلال کشور دریافت کننده احترام گذارده و هیچگاه آنرا مشروط نکرده و هیچ امتیازی در مقابل نمی خواهد".

یادداشت چین میگوید "... آلبانی بخاطر احتیاجات سیاست داخلی و خارجی خود ... بیخردانه به کمک چین بآلبانی صدمه رسانیده است." این امر روحیه فریبکارانه رهبران چینی و امیال آنانرا برای دیدن بردگی سیاسی، ایدئولوژیکی و اقتصادی آلبانی بوسیله سوسیال امپریالیسم شوروی و یا امپریالیسم آمریکا و بیروزی ارتجاعی برملا میکند. رهبری چین اینگونه سخن میزند، زیرا فکر میکند که آلبانی در انفراد بوده، و فقط از طریق گلوگاه چین می تواند نفس کشیده و زنده بماند و اینکه هم اکنون دچار مرگدانی شده و بدام امپریالیستها یا سوسیال امپریالیستها خواهد افتاد. خروشچف و میکویان نیز زمانیکه میگفتند که آلبانی خود را در اندام "۳۰ سکه نقره" خواهد فروخت و اینکه "بدون کمک شوروی در عرض ۱۰ روز از گرسنگی هلاک خواهد شد" چنین تصویری میکردند!

ولیکن زندگی نشان داده که نه آلبانی خود را فروخت و نه از گرسنگی هلاک شده. آلبانی با موفقیت شایانی در ساختمان سوسیالیسم پیش تاخت. و این کار نه با کمک چین، بلکه با فعالیت قهرمانانه و مبارزه درخشان خلق آلبانی صورت پذیرفت.

در آتیبه نیز هم چنین، خلق آلبانی تحت رهبری حزب کار آلبانی همواره پیروزندانه در راه سوسیالیسم پیش خواهد رفت و با نمونه سازی از خود به دوستان خود و خلقهای قدرت تسخیر ناپذیر و قدرت خلاقه مارکسیسم-لنینیسم را نشان خواهد داد.

ما در مبارزه خود برای ساختمان سوسیالیسم و دفاع از سرزمین پدری، در کوششها- بیان جهت مقابله و غلبه پیروزندانه بر مشکلاتی که اعمال خصمانه دولت چین متوجه کشور صلبان ساخته است، دریافت کمک بیشتر انترناسیونالیستی از انقلابیون واقعی، خلقهای شرقی و صلح

دوست سراسر جهان ادامه داده و خواهیم داد. آلبانی هیچگاه در انزوا نبوده و نمی تواند بشود.

همانگونه که حزب ما اعلام کرده است برنامه های توسعه آلبانی با موفقیت در تمام جهات از طریق فعالیت فدائوکارانه و هزم راسخ خلقان، با تکیه بر نیروهای خود و نیز در مورد پروژه های ناتمام چین و همچنین در مورد پروژه های نوین دیگری که اضافه خواهد شد، به انجام خواهند رسید.

II

الغای یکجانبه قرارداد همکاری اقتصادی و نظامی با آلبانی، نقض خودسرانه قرار داد های رسمی توافق شده بین دو کشور و قطع فعالیت بسیاری از پروژه های مهم برای اقتصاد سوسیالیستی ما، دستور بازگشت دادن به متخصصین خود، و غیره از طرف دولت چین، نمایانگر خط مشی سیاسی و ایدئولوژیکی معین رهبری چین میباشد. این مسائل نتیجه جدائی رهبری چین از مارکسیسم - لنینیسم و اصول انترناسیونالیسم پرولتری و تجدید روابط و همکاری با امریکایلیسم آمریکا، پرووازی و ارتجاع جهانی، و پشت پا زدن بکلیت و پشتیبانی از نیروهای انقلابی و رهاپیش در صحنه بین المللی، و نیات ابر قدرت امپریالیستی شدن چین است.

این راه رهبری چین که از یک پروسه پیچ و خم داری عبور کرده است، با مخالفت پیکرانه حزب کار آلبانی که آرمان سوسیالیسم، انقلاب و رهائی خلقها را بیش از هر چیز دیگر گرامی میدارد مواجه شده است. این مساله بخاطر پیدایش تضاد های جدی ایدئولوژیک و سیاسی میباشد که تدریجا میان حزب کار آلبانی و حزب کمونیست چین رشد کرده است. در حقیقت بدین خاطر که حزب و خلق آلبانی در برابر مشی و نظرات قدرت طلبانه چین سرفروند نیامد، حزب و دولت چین تا بدانجا پیشرفت که تمام کتک خود را به آلبانی سوسیالیستی قطع نموده و اختلافات ایدئولوژیکی را تا بسطح روابط کشوری ارتقا داد.

کمیته مرکزی حزب کار آلبانی در تمامی این مدت کوشیده است تا این اختلافات را بر اساس روش مارکسیستی - لنینیستی، از طریق مشاورت دو جانبه و توضیحات رقیقانه و بدون علنی کردن آنان، حل نماید.

حزب ما در این مورد، از این اصل پیروی نموده است که اختلافات و سوء تفاهات نمیتواند میان احزاب و دول مختلف، حتی زمانی که روابط نزدیک دوستانه وجود دارد، ایجاد گردد. بدین در نظر گرفتن اینکه کدام طرف باید سرزنش شود، رفع اختلافات و سوء تفاهات نیاز به مذاکرات دارد. و در مورد دو کشور سوسیالیستی و دو حزب کمونیست این اصل بسیار مستقیمتر بکار رود. چنین معیارهایی چون مشاورت دو جانبه و توضیحات رقیقانه، مطلقا لازم میباشد چرا که این روابط مارکسیستی - لنینیستی از دوستی خالصانه و نه از دوستی مفرطانه و بدبینانه نگاهداری میکند. این روابط از خلوص تئوری عام ما، یعنی مارکسیسم - لنینیسم، نفاذ داری گردد و به انقلاب و مبارزه خلقها قوت میبخشد.

در میان معیارهای مارکسیستی - لنینیستی که روابط میان احزاب کمونیستی را تنظیم مینماید معیار انتقاد صحیح و متقابل، اصولی و سازنده از اشتباهاتی که در مشی و فعالیت این یا آن حزب مشاهده میشود وجود دارد. به آنگونه که رهبران چینی این معیار را تفسیر

میکنند، به چنین انتقاد رفیقانه ای نمیتوان پاسخ داد. بلکه همانطوریکه از نامش پیدا است معنی حالت مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی دارد، حائلی است که در آن تضادهای غیر آنتاگونیستی به آنتاگونیستی تبدیل میشوند.

حزب کار آلبانی در روابط خود را حزب کمونیست چین جدا از این معیارها و اصول مارکسیستی - لنینیستی که در میان احزاب کمونیست واقعی بکار میروند، پیروی نموده است. حزب کار آلبانی هرگاه ملاحظه کرده است که حزب کمونیست چین مواضعی اتخاذ و اعطالی انجام بدهد که در مخالفت با مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، در مخالفت با منافع سوسیالیسم و انقلاب قرار دارد، به اشتباهات آن اشاره و بشیوه رفیقانه ای انتقاد نموده است. این نوع عمل از اسناد کتبی حزب و دولت ما که در اختیار داریم پیدا است. و برخورد رهبری چین چگونه بوده است؟ چین در عین حسن تلقی و ستایش بسیار از حزب کار آلبانی و دولت آلبانی بخاطر پشتیبانی و دفاع اش از چین توده ای، هیچگاه تذکرات صحیح و اصولی حزب ما را با خشندی تلقی ننمود. رهبری حزب کمونیست چین هیچگاه نخواست معیارها و روشهای لنینی در روابط میان احزاب بکار رود. با استدلال و اعطالی که از منطقی و درک یک قدرت مقتدر، از یک حزب بزرگ و دولت بزرگ برمیخیزد، حزب کمونیست چین که خود را ناپه لغزش ناپذیر و محسوب میکند، نشان داده است که هیچ روشی جز روش دیگه و تحمل نظرات خود به دیگران و خاصه احزاب و دول کوچک، نمیشناسد.

حزب کار آلبانی و دولت آلبانی علیرغم شکافهای موجود بطور کلی از چین و آرمان سوسیالیسم در آن کشور، خاصه در سختترین شرایط، و در موقعیت هائیکه چین بر سر درواهی در مسائل داخلی و خارجی خود قرار داشته در لحظاتی که چین در انفراد بوده و مسود هدف حمله از همه جوانب - حتی از سوی دوستان کمونیست - قرار گرفته بود، بدفاع برخاسته است. حزب و دولت ما این عمل را با روشن دلی انجام میداده و معتقد بوده است که انجام چنین عملی از سرنوشت انقلاب در چین که مورد خطر جدی قرار گرفته بود، دفاع مینموده و از ضایع ولای انترناسیونالیسم پرولتری و از دوستی میان چین و آلبانی حمایت کرده است. کمونیستها و خلق آلبانی در دفاع خود از چین در مقابل دشمنان سوسیالیسم و در حمایتشان از مواضع و اعطالی که در راه درست قرار داشته، در واقع برای تقویت مواضع مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم در چین مبارزه مینموده اند.

برای تفهیم بهتر عمل سیاسی و ایدئولوژیک که رهبران چینی را به عمل متکرانه قطع کف به آلبانی واداشته است، برای تفهیم برخورد های شوونیستی یک قدرت مقتدر در روابطش با حزب کار آلبانی و بهمچنین جهت توضیح موضع خالصانه رفیقانه و درست اتحاد شده از سزا

حزب، دولت و خلق آلبانی نسبت به چین و خلق چین لازم است تا پیشرفت روابط چین - آلبانی مورد بررسی قرار گیرد.

۱- روابط میان دو حزب و دو کشور بدنبال پیروزی انقلاب در چین، بدنبال تاسیس جمهوری توده ای چین برقرار شد. این روابط خاصه بعد از سالهای ۱۹۶۰ زمانیکه مبارزه طلی بر علیه رویزیونیسم خروشچفی آغاز گردید، نزدیکتر و مستحکمتر شد. مبارزه بر علیه امپریالیسم و رویزیونیسم دو حزب ما را بیکدیگر نزدیک نمود، ولیکن با انحراف چین از این مبارزه، راهشان جدا گردید.

مبارزه حزب کار آلبانی بر علیه رویزیونیسم مدرن حتی قبل از محکوم کردن تیتوئیسم از طرف بیرونی اطلاعاتی آغاز شده بود. بدنبال فوت استالین این مبارزه زمانیکه رویزیونیسم نوع خروشچفی شروع به پیدایش نمود، بشدت بیشتری ادامه یافت. حزب ما این مبارزه را شدت و گسترش بیشتری بخشیده و بر علیه برخورد ها و اعمال ضد مارکسیستی خروشچف و دارودستاش در سیاست خارجی و در روابطشان با دیگر احزاب کمونیستی خاصه حزب ما، بمخالفت برخاست.

انحراف خروشچفی یک تجدید نظر در تئوری مارکسیسم - لنینیسم در همه زمینه ها و مسائل را بیان میکند. هدف استراتژی خروشچفیستها برکندن بنیان دیکتاتوری پرولتاریا و احیای سرمایه داری در اتحاد شوروی و تبدیل این کشور به یک ابرقدرت امپریالیستی، بسرای تقسیم و سلطه بر جهان - پابهای امپریالیسم آمریکا - بود. خروشچف برای رسیدن به این استراتژی به استالین و بنسوصم یروش برد و نابودی مبارزه طبقاتی در داخل و خارج اتحاد شوروی را تبلیغ نمود. او تحت عنوان اینکه تناسب قوا، امروزه تغییر کرده، که امپریالیسم آمریکا و بیروزی از جماعی بین الطلی بسر عمل آمده اند، تز کلبیدی مارکسیسم - لنینیسم مبنی بر انقلاب قهرآمیز را بدر انداخت و اوهای در باره باصطلاح راه سلامت آهز را پخش نمود. خروشچف بستها در روابطشان با احزاب کمونیستی و کارگری بنا بر درکنشان از "حزب مادر" و "حزب پدر" عمل مینمودند. آنان میخواستند احزاب دیگر، بدستورهای آنان گوش داده و نظراتشان را قبول کنند و به دستکهای سیاست خارجیشان تبدیل شوند. در این راه خروشچف و برزف و دیگران با رویزیونیستهای یوگوسلاوی آشتی کرده و هدف مشترکی در مبارزه بر علیه مارکسیسم لنینیسم و انقلاب با آنان پیدا کردند.

حزب کار آلبانی بطور صمیمانه و با مبارزه ای بیرحمانه باین خط مشی خائتانه و ضد انقلابی خروشچفیم پاسخ داد. حزب کار آلبانی بویژه با تجدید تربیت ایدئولوژیک تیتوئیسم بدست خروشچف، که با این عمل خود بوضوح نشان داد که به اعطاق مراد امپریونیسم

و خیانت فرقی شده، مخالفت وزید و آنرا محکوم نمود. حزب کمونیست چین در آغاز سال ۱۹۶۰، علیرغم موضع تزلزل آمیز خود نسبت به روزیونیسم پرگسلاوی، همانطور که مدارک ثابت میکند تجدید ترتیب تیتو و گروهش بوسیله خروشچف را محکوم نمود.

جلسه بخارست همانطوریکه میدانیم در ژوئن ۱۹۶۰ برگزار شد. در آن جلسه خط مشی ضد انقلابی خروشچف و خروشچفستها روشنتر ثابت شد. آنان تنها مارکسیسم-لنینیسم را در تمامی جهات بزیر حمله گرفتند، بلکه حزب کمونیست چین مستقیماً حمله نمودند. حزب کارآلبانی در آن اجلاس به علنا به باری از حزب کمونیست چین شتافت و تا آخر از آن دفاع نمود و در نتیجه آتش خشم و وزنه فشارهای تمامی روزیونیستهای خروشچفی را بخود وارد آورد. حزب ما با آگاهی خالمانه کمونیستی این دفاع اصولی را نمود و تصور مینمود و اطمینان خاطر داشت که با این کار خود از مارکسیسم-لنینیسم و چین توده ای پشتیبانی میکند.

اجلاس بخارست و بدنبال آن کنفرانس ۸۱ حزب کارگری و کمونیستی در مسکو انشعاب قطعی میان مارکسیست-لنینیستها و روزیونیستها و آغاز پلیمک علنی میان ایندو را آشکار نمود. در حالیکه حزب ما این مبارزه بر علیه روزیونیسم خروشچفی را پذیرانه و قاطعانه در دست گرفت و آنرا بیپیش برد، رهبری چین تزلزل نشان داد و از اتحاد مواضع صریح ضد خروشچفی قصور ورزید. در مرحله اول پلیمک بیرحمانه بین حزب کارآلبانی و روزیونیستهای خروشچفی، چین با آلبانی در توافق قرار داشت، ولیکن این تنها در ظاهر بود. چرا که در واقعیت، همانطوریکه بعداً ثابت شد، چین در پی سازش با شورویها و خاموش کردن پلیمک آنان بود. این ساله در سخنرانی چوئن لای در کنفرانس ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی که در واقع از حزب ما دفاع نکرد، و خواهان قطع پلیمک بود، مشهود است. رهبری چین این موضع بیحمتی را کک به آلبانی قلمداد نمود ولیکن خواست به قطع پلیمک نه بنفع آلبانی و نه بنفع خود چین بود. اینکار تنها به خروشچف و مبارزه اش بر علیه سوسیالیسم و مارکسیسم-لنینیسم یارور ماند.

۲- موضع تزلزل آمیز حزب کمونیست چین در مبارزه علیه روزیونیسم خروشچفی در ژوئن ۱۹۶۲ آشکار شد. در آن تاریخ حزب کارآلبانی بفرستادن یک هیات نمایندگی به پکن صادر کرد. وزید تا پیرامین مسائل مهی که در ارتباط با تانکیک و استراتژی مبارزه مشترک دو حزب در صحنه بین‌المللی بود، با رهبری حزب کمونیست چین به مشورت پردازد. در اینجا بود که هیات نمایندگی حزب ما با نظرات بسیار اشتباه رهبری چین مواجه شد.

لیوشا لچی که در آنزمان بعد از خائوشه دین رهبر اصلی حزب کمونیست چین بود و هیات نمایندگی چین را در این نشست رهبری مینمود، و همچنین دن سیالو پین، که در آن موقع دبیر کل حزب کمونیست چین بود، بر نقطه نظر رهبری چین که بنا بر آن جنبه ضد امپری-

لیستی ضرورتاً میبایست اتحاد شوروی-که در آنوقت تحت رهبری باند خروشچف بود- را نیز در بر گیرد، سرسخانه ساجت وزیدند.

هیات نمایندگی حزب ما بدفاع از خط مشی حزب کارآلبانی که بر اساس آموزشهای لنین استوار است برخاست. آموزشهایی که بنا بر آن هیچ مبارزه پیروز خدانه ای بر علیه امپریا-لیسم بدون مبارزه هفزمان بر علیه روزیونیسم نمیتواند انجام پذیرد. هیات نمایندگی ما بر نظر حزب کارآلبانی مبنی بر اینکه تنها جنبه ضد امپریالیستی نصیابت در بر لنینیسم و روزیونیستها ظهوری باشد بلکه میبایست در آن واحد پیکان حمله خود را بر علیه امپریالیسم عموماً و امپریا-لیسم آمریکا خصوصاً و بهمنین بر علیه روزیونیسم شوروی نشانه رود، اصرار ورزید.

رهبری چین پیرامین خط مشی سازش خود با روزیونیستهای خروشچفی مبنی بر لزوم اتحاد با "همه کس" بر علیه امپریالیسم آمریکا که بلفته خودشان دشمن عمده بود، استدلال می نمود. این تز اپورتونیستی در کنار سایر مسائل، توهنات رهبری چین را درباره رهبران روزیونیست شوروی نشان میداد. در طی نشست پکن، تن سیالو پین به هیات نمایندگی گفته مرکزی حزب ما گوشزد کرد که: "غیرممکن است خروشچف تغییر کند و مانند تیتو بشود... اتحاد شوروی بظاهر یک کشور سوسیالیستی هیچگاه تغییر نخواهد کرد." (از خلاصه نشست ۱۱ ژوئن ۱۹۶۲)

حزب کارآلبانی به این نظرات و نه تزه های پیرامین جنبه مشترک ضد امپریالیستی که در آن روزیونیستهای خروشچفی نیز جای داشتند را نپذیرفت، در حالیکه رهبری چین بر این مواضع اپورتونیستی خود باقی ماند.

بروز اتفاقات بعدی، یعنی تشدید مبارزه نیروهای مارکسیستی-لنینیستی بر علیه روزیونیسم خروشچفی، دامنه دار شدن عطیات خرابکارانه خروشچف و خاصه اضا پیران اوت ۱۹۶۳ تحریم آزمايشهای اتمی در اتمسفر از سوی شوروی-آمریکا-انگلیس که بیانگر اتحاد فعالیتهای دو ابر قدرت جهت سلطه بر جهان بود، رهبری چین را مجبور به آغاز پلیمک علنی با خروشچف نمود. بدین ترتیب زمانیکه سازش و توافق با روزیونیستهای خروشچفی که این قدر با حرارت از سوی رهبری چین پیگیری میشد، عطی نگشت؛ فقط این موقع بود که حزب کمونیست چین در راه ضد خروشچفی بطور موثر گام برداشته و با مبارزه اصولی، پذیر و صحنه حزب کارآلبانی همراهی نمود. این عمل نمیتوانست پایه خشنودی حزب کارآلبانی و خلق آلبانی، که تقریباً بدست سه سال تمام دست تنها مورد حملات دیوانه وار علنی خروشچف و تمامی روزیونیسم مدرن قرار گرفته بود، نشود. همکاری و روابط میان دو حزب در مبارزه بر علیه امپریالیسم و روزیونیسم استحکام بیشتر و بیشتری یافتند.

حزب ما کوششهای بسیاری برای گسترش و تعمیق این مبارزه نمود، چرا که اینکار در خدمت بسیج نیروهای ضد امپریالیستی و ضد رژیونالیستی برای دفاع از آرمان سوسیالیسم و رهایی خلقها قرار میگرفت. ولیکن رهبری چین همانطوریکه ملاحظه خواهیم کرد، در این مبارزه پیگیر و اصولی از آب در نیامد.

۳- در تابستان ۱۹۶۴ تبلیغات چین مسائل مرزی شوروی-چین را طرح نمود نشریات چین با اشاره به گفتگوی مائوتسه دون با گروهی از پارلمانتاریستهای سوسیالیست و این ادعا نمودند که تزارهای روس صد ها هزار کیلومتر مربع از اراضی چین را تصرف کرده و در اروپا نیز، اتحاد شوروی با مسائل مرزی که در نتیجه جنگ دوم جهانی بیبار آمده بود مواجه است.

حزب کار البانی بر طرح مساله اصلاح مسائل مرزی از سوی مائوتسه دون تأیید نگذاشت. ارد. بنظر حزب ما رهبری چین به دو اشتباه بزرگ در غلطیده بود. اولاً طرح مسائل مرزی در ان موقع بمبارزه ایدئولوژیکی علیه خروشچف یاری نمیرساند. بلکه بعکس اینکار اسلحه قوی را به دست رهبری شوروی بر علیه چین و مارکسیستها میداده تا تأثیرات مبارزه ایدئولوژیکی را که آنان برای افشای خیانت خروشچف پیش میبردند خنثی نموده و مبارزه ما را بعنوان اختلافات مرزی و ادعای تصرف اراضی جلوه دهد. دوماً، با طرح مساله اصلاح اختلافات مرزی اتحاد شوروی و برخی کشورهای اروپائی که از جنگ دوم جهانی ناشی شده بود، و استالین ناچوان-مردانه مورد حمله قرار میگرفت و اتهام ارتجاع بین‌المللی تحت عنوان ایجاد "دو اثر نفوذ" بر علیه او و زنه مییافت. رهبری چین با تیتو از در موافقت در آمد. تیتو زمانیکه ساله جبران بی-عدالتی های وارده به یوگسلاوی که در گذشته بدست قدرتهای پیروزمند متحمل شده بود، پیش میامد، از این تز بدفاع برخاسته و فریادش را با سنان میسنانید. ولی در همین حال درباره بیعدالتی های وارده به خلق دیگری، اگر که بنفع یوگسلاوی بود، کاملاً ساکت میماند.

تز چین پیرامون مساله اصلاحات مسائل مرزی به این سادگیها هم نبود. این مساله حاکی از روحیه شورونستی یک دولت مقتدر و ناسیونالیسم بورژوائی بوده و محرکه جنگ در اروپا بود.

کمیته مرکزی حزب کار البانی بر طبق معیارهای لنننی، با روحیه ای مطلوب دوستی و بشپوه ای رفیقانه در نامه ای بتاريخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۴ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و شخص صدر مائوتسه دون را از نظرات خود پیرامون این مسائل مطلع نمود.

در این نامه بخشاً آمده:

"ما بر این اعتقادیم که طرح مسائل ارضی با اتحاد شوروی در حال حاضر صحیحاً

بمبارزه ما ضربه وارد خواهد آورد. اگر ما دست به چنین کاری بزنیم بدشمن خود اسلحه قوی داده ایم تا بر علیه ما بکار گیرد و این پیشروی ما را فتح خواهد نمود.

توده های خلق شوروی در تحت فشار تبلیغات رژیونالیستهای خروشچف و تحت تأثیر اتهامات و افتراءات خروشچف و بخاطر دلائل بیشتر دیگری علت طرح مسائل ارضی را از سوی چین توده ای در مقابل اتحاد شوروی درک نخواهند نمود، و انسان این مساله را قبول نخواهند نمود و تبلیغات شوروی دست اندر کار تحریک آنان بقیام بر علیه شما میاشد. ما معتقدیم که حتی کمونیستهای واقعی شوروی این مساله را درک و قبول نخواهند کرد. این زبان عظیمی به مبارزه ما وارد خواهد آورد.

"... ما بر این عقیده ایم که زخمهای پیشین را - اگر وجود دارند - نباید باز نمود. ما نهایتی مجادله و پلحک جدیدی بر سر اینکه آیا اتحاد شوروی اراضی کشورهای دیگر را تصرف کرده یا نه آغاز نمائیم، بلکه میبایست تنها مبارزه متحرک ما بر علیه سرطان بزرگ، بر علیه خیانت بزرگی که بوسیله امپریالیسم و رژیونالیسم مدرن، بارود سته خائن خروشچف و تیتو و دیگر جلا دناشان صورت گرفته حمله ور گردد."

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین باین نامه اصولی و درست حزب ما پاسخی نداد. رهبران چین هیچگاه هیچ توضیحی پیرامون این مساله بسیار مهم به حزب ما ندادند. مائوتسه دون خود را محدود بیک پاسخ لفظی بدین ضمن نمود که: "چون ما نمیخواهیم پلحک راه بماند ازیم بیاسخی بشما نخواهیم داد." بنظر ما که موافق معیارهای لنننی است، تبادل ایده ها، انتقاد رفیقانه و روشنگری یکدیگر مسائلی عادی میان دو حزب کمونیست میباشند. و اینکار نمیتواند پلحک بحساب آید.

حزب ما علیرغم این موضع نادرست رهبری چین این اختلاف را آشکار نکرد و مبارزه انقلابی خود را هنگامی که چین بر علیه امپریالیسم و رژیونالیسم ادامه داد.

۴- خروشچف در اکتبر ۱۹۶۴ سرنگون شد. این واقعه مجدداً موضع نوسانی رهبری آن چین را در مورد رژیونالیستهای شوروی آشکار کرد. اصد های سازش و ایجاد روابط حسنه با آنان زنده شدند.

چون لای در ۲۹ اکتبر ۱۹۶۴ بنطایندگی از کمیته مرکزی حزب کمونیست چین وشو-رای دولتی جمهوری توده ای چین و در حضور سفرای ویتنام، کره، رومانی و کوبا از سفیر البانی در پکن خواست که پیشنهاد چین را مبنی بر اینکه احزاب ما همبانی برای پشتیبانی از رهبری جدید اتحاد شوروی بریاست برزئف به مسکورا می کنند تا "در مبارزه بر علیه دشمن مشترک، امپریالیسم" اتحاد ایجاد گردد، به کمیته مرکزی حزب کار البانی بخابره کند. او اضافه کرد که شوروی نیز پیشنهاد کرده که میبایست دعوتنامه ای نیز به البانی عودت داده شود تا در جشن

هدف هم نوایر شرکت نمایند.

چون لای در تشریح نظرات رهبری چین گفت: «مر اتحاد شوروی تغییراتی صورت گرفته است. تاثیر و اهمیت این تغییرات محدود به داخل شوروی بطنهایی نیست، بلکه باحرکات و کشورهای سوسیالیستی وکل جنبش کمونیستی بین‌المللی و حتی به دشمنان مشترک ما و نوکرا نشان داده می‌آید. بیک کلام این امر خوبی است، تغییری صورت گرفته است.»

... بر مبنای این دلائل بود که ما پیام تهنیت‌برهبری جدید حزب و دولت اتحاد شوروی فرستاده و خاطر نشان ساختیم که از این تغییر پشتیبانی کرده و آنرا تبریک می‌گوییم.»

... حال در پکن از ۱۶ اکتبر ما دست‌بیک آتش‌بست در مطبوعاتمان زده ایم.»

... علی‌رغم لاینحل ماندن بسیاری از مسائل مهم در حال حاضر، ما اینکار را برای اتحاد بر اساس مارکسیسم - لنینیسم بر علیه دشمن مشترک انجام داریم.»

علیرغم اینکه چوئن لای میدانست که هیچ روابط دیپلماتیکی میان اتحاد شوروی و آلبان نی وجود نداشته، و این روابط به ابتکار خروشچف بطور خصمانه قطع شده بود، با فرستادن هیات نمایندگی بمسکو اصرار ورزید و سفیر ما گفت: «ما معتقدیم رفقای آلبانی بایستی پیش نهاد ما را بررسی کنند، چرا که فرصت خوبی است تا دست‌بوسی آنان دراز کرده و متحدانه بر علیه دشمن مشترک مبارزه نماییم.»

کمیته مرکزی حزب کار آلبانی نمیتوانست پیشنهادی را قبول کند که خواهان قطع مبارزه بر علیه ریزیونیسیم و سازش آید لولوزیکی با آن باشد. اگر با این خط‌مشی سازش با ریز یونیسیم شوروی توافق میشد، مصیبتی در جنبش مارکسیستی - لنینیستی بهار ما وارد و چون ضربه مهلکی بر آن می‌انداخت. بنا بر آنچه که آمد، حزب ما قاطعانه با این درخواست رهبری چین مط - نعت ورزید و آنرا بزمین گذاشت.

کمیته مرکزی حزب کار آلبانی در نامه ۵ نوامبر ۱۹۶۴ خود به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین با اصول مارکسیستی - لنینیستی و صبرانه توضیح داد که تحلیل رهبری چین از تغییرات حاصله در اتحاد شوروی نادرست بوده و پیشنهاد آنان برای رفتن بمسکو غیر قابل قبول می‌باشد.

در این نامه بخشا چنین آمده:

«این واقعه گرچه دارای اهمیت بوده و مستعد تاثیرات جدی می‌باشد، کماکان حداقل تا این تاریخ بشکست کامل ریزیونیسیم نیا نجامیده، کماکان پیروزی نهائی مارکسیسم - لنینیسم را معلوم نکرده بلکه تنها انحطاط ریزیونیسیم را محقق انداخته، ریزیونیسیم را به قبر خود نزدیکتر نموده است. در عین اینکه جانشینان خروشچف می -

کوشند از افتادن ریزیونیسیم باین قبر، با بکار بستن سیاست خروشچفیم بدین خروشچف، جلو نبرند.

«اگر چه خروج خروشچف از صحنه سیاسی يك پیروزی مهم برای مارکسیسم - لنینیسم محسوب میگردد، کمیته مرکزی حزب کار آلبانی معتقد است که این پیروزی نباید بیش از حد قلمداد گردد، نباید هوشیاری مارکسیست - لنینیستها دچار رخوت گشته و نباید مبارزه اصولی آنان برای انهدام ریزیونیسیم مدرن نوع خروشچفی قطع گردد.»

... ما بر این اعتقادیم که پلحک اصولی و علمی برای افشای بی‌وفته ریزیونیسیم مدرن می‌بایست تا زمانیکه ریزیونیسیم بشابه يك آید لولوزی دفن نشده پایدار مانده و به پیش‌برود... عقب نشینی ما از این مواضعی که در مبارزه بدست‌آمده اند، ضرری برای ما و پیروزی برای ریزیونیسیمها خواهد بود.»

... در چنین شرایطی، زمانیکه دولت شوروی بطور یکجانبه روابط دیپلماتیک را قطع نموده و با اعمال ضد مارکسیستی مهیبی بر علیه ما دست‌زده، ما بر این عقیده ایکه نه برای ما بشابه کمونیسمها مجاز است و نه در مقام ما بعنوان دولتی مستقل است که این مسائل را تنها بخاطر این واقعیت که شخص خروشچف بر کار شده، فراموش نمائیم. ما بنا به این دلائل می‌بایست خود را با پیشنهاد رفیق چوئن لای جنی بر لزوم دعوت هیات نمایندگی آلبانی از سوی حزب و دولت شوروی برای شرکت در مراسم هفت نوایر اعلام داریم.»

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین موضع بی‌اعتبارکننده ای نسبت باین نامه محرمانه حزب ما اتخاذ نمود. رهبری چین هیچگاه باین نامه جواب‌نداد و به اشارات رفیقانه و معقول آن وقعی نگذارد.

چوئن لای در ۷ نوامبر ۱۹۶۴ در صدر يك هیات نمایندگی حزب و دولت چین به مسکو رفت تا رسیدن بقدرت برونفا را تهنیت گوید. ولیکن، همانطور که از واقعیات برآمد، او هیچ موفقیتی در این برنامه خود برای سازش و توافق با رهبری جدید شوروی بدست نیاورد و محض بازگشت بچین رهبری چین مجبور به از پیش‌گرفتن پلحک با اتحاد شوروی شد.

بنابراین موضع حزب ما و تحلیل آن از وقایع پیرامون سرنگین شدن خروشچف درست و مارکسیست - لنینیستی از آب درآمد. در حالیکه موضع رهبری چین (هم در تحلیل خود و هم در موضعش نسبت ب رهبری جدید اتحاد شوروی) موضعی سازشکارانه، اپورتونیستی و کاملا غلط بود. بهر جهت گرچه رهبری چین با اصولیت رفتار نکرد و از خود انتقاد ننمود اگر چه اختلافات آید لولوزیکی بیشتر تعمیق یافتند، حزب ما بمبارزه خود برای تحکیم دوستی و

انتخاب مواضع منطقی در مبارزه مشترک بر علیه رویزونیسم و امپریالیسم کک نماید .

— علی‌قوم تضاد هائیکه میان ما پدید آمده بود و با در نظر گرفتن شرایط سختی که چین در آن قرار داشت، حزب کارالبانی با آرزوی خالصانه خود برای کمک به حزب کمونیست چین، به پشتیبانی قاطعانه خود از چین، خاصه در آنموارد سیاسی و ایدئولوژیکی که دارای نظر واحد بودیم، ادامه داد .

حزب ما از انقلاب فرهنگی بنا بدرخواست شخص مائوتسه دون که به حزب ما اسلام نموده بود که چین با خطر عظیمی روبرو است و هیچکس نمیداند که چه کسی در چین پیروز خواهد شد؛ نیروهای سوسیالیستی و با رویزونیستها، دفاع کرد . (از خلاصه گفتگو با هیات نمایندگی حزب و دولت البانی — ماه مه ۱۹۶۶) . حزب کارالبانی بچین در لحظات بسیار بحرانی، زمانیکه چین در کردار تلاطمات عظیمی بود و بطور وحشیانه مورد حمله جبهه متحد رویزونیستها — امپریالیستها قرار گرفته بود، یاری رسانید . حزب ما از خط مشی عمومی انقلاب فرهنگی جهت انهدام عناصر رویزونیست و سرمایه داری که سندهای کلیدی را در حزب و قدرت دولتی تسخیر کرده بودند، پشتیبانی کرد . گرچه حزب ما بر سر بسیاری مسائل اصولی و روشی هائیکه این انقلاب را رهبری مینمود و در آن بکار صرفت موافق نبود . حزب ما با دفاع خود از انقلاب فرهنگی، این امید را در دل میپروراند که چین تحت رهبری طبقه کارگر و پیشتازش، حزب کمونیست، راه مبارزه انقلابی را خواهد یافت. تمام دوره انقلاب کبیر فرهنگی در چین دوران بسیار سختی برای سوسیالیسم بود و شرایط بفرنج و در هم روبرهی را بوجود آورد . این شرایط نتیجه منطقی مبارزه فراکسیون و غیر اصولی بود که در صفوف حزب کمونیست چین در طی دوران مبارزه برای انقلاب بورژوا — دموکراتیک و بعد از ۱۹۴۹، بگرد راهی که چین بسرای توسعه بیشتر انقلاب میبمود وجود داشت.

ایده های کبیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و ایدئولوژی مارکسیسم — لنینیسم به نحو شایسته ای به نمونه پختن و راههای حزب کمونیست چین در شرایط شخص آن کشور قرار نگرفت . و این بدین جهت است که هسته مارکسیست — لنینیست حزب به الکتیکسیم خطرناکی در فکرتید که به افتشاش در مبارزه ای بیعنان در میان فراکسیونها، افراد و گروههایی با نظرات گوناگون غیر مارکسیستی زنده شد داد، پیروی که جدا بر اساس بنای سوسیالیسم در چین ضربه وارد آورد . این افتشاش سیاسی — ایدئولوژیکی و تشکیلاتی در حزب کمونیست چین و دولت چین عناصر رویزونیست و سرمایه دار اجازه داد تا سندهای کلیدی در حزب و قدرت دولتی و ارتش را تصاحب کنند . در چنین شرایطی بود که انقلاب فرهنگی با الهام و تحت رهبری

شخص مائوتسه دون آغاز میگرد .

حزب کارالبانی از استراتژی عمومی انقلاب فرهنگی پشتیبانی نمود . ولیکن ما میخواهیم در اینجا تاکید کنیم که دفاع حزب ما از استراتژی این انقلاب بمعنی دفاع از تمامی تاکتیک های آن نبود . حزب ما با عزم جزم از آرمان سوسیالیسم در چین باز خلق برادر چین، از حزب کمونیست چین و انقلاب دفاع نمود و نه از مبارزه فراکسیونی گروههای ضد مارکسیست، نه از هر جریانی که به دیگری حمله کرده و دست بگیریان شد و یا آشکارا و یا درخفا برای تسخیر مجدد قدرت دولتی باسلحه پناه بود .

انقلاب فرهنگی اغلب روحیه و اعمال یک مبارزه غیر اصولی را حفظ کرد، مبارزهای که شایسته یک حزب واقعی طبقه کارگر، حزبی که باید برای استقرار دیکتاتوری پرولتاریا مبارزه کند، نبود . در نتیجه این خصاصات میان گروههای فراکسیونی با استقرار دولتی در چین انجامید که عناصر بورژوا و رویزونیست در آن غالب بودند .

رهبر، کنونی چین میخواست و میخواهد که حزب کارالبانی انقلاب فرهنگی را بنا — بر تایلات و دلایل رهبری چین محکوم نماید . حزب کارالبانی هیچگاه چنین امری را قبول نخواهد کرد . حزب ما هنگام با تمامی انقلابیون دنیا از حزب کمونیست چین انتظار دارند تا یک تحلیل واقعی از انقلاب فرهنگی نموده و جسارت بیان حقایق پیرامین ایده هائی که این انقلاب را رهبری کردند و گروهها و افرادی که آن را پیش برده و رهبری نمودند، پیرامین کسانیکه مورد حمله این انقلاب قرار داشتند را بنیاید و مواضع صریح و روشنی در مورد انسان انتخاب نماید . رهبری حزب کمونیست چین تا با مرز چنین کاری نکرده، چرا که از واقعیات، اتفاقات و تفسیر واقعی مارکسیستی آنان هراس دارد .

۶- حزب کارالبانی دست بکوششهای همه جانبه وطنی و مستحکم در صحنه بین المللی جهت دفاع از چین زده است، اگر چه که بر سر بسیاری مسائل از نقطه نظر اصولی در اختلاف نظر بوده است. برای مثال مبارزه طولانی مستحکم دیپلماتیکی البانی سوسیالیستی برای احقاق حقیق حقه جمهوری توده ای چین در سازمان ملل میباشد که امپریالیسم آمریکا و متحدینش مدتها چین را از آن محروم داشته بودند .

چین از یک سیاست درهای بسته با سایر کشورهای جهان پیروی مینمود . رهبری حزب ما در موارد معینی، بشیوه رفیقانه امیال خود را منی بر لزوم شرکت فدا نه تر چینی توده ای در سیاست خارجی و گسترش روابط و تماسهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با سایر کشورها و خصوصاً کشورهای همجوار ابراز نموده است. بنظر ما این صالنه بنفع خود چین و آرمانهای سوسیالیسم و انقلاب در جهان بود . ولیکن رهبری شط این آرزوی البانی را نامعقول دانسته و افراد خود را خواهان بوده و تحت عنوانین مختلف در مقابل کشورهائیکه خواهان

برقراری روابط با چین بوده اند، خود را معذور می‌دانستند.

۷- در سال ۱۹۶۸ يك هیات نمایندگی حزب و دولت آلبانی تحت ریاست عضو سابق بعربی سیاسی و نایب رئیس سابق شورای وزیر و وزیر دفاع خلق، بقیر بالوکو، بعین رفت. این هیات نمایندگی همچنین طوریست داشت تا برهبری چین درخواستهای ککلی را برای تقویت امور دفاعی آلبانی ارائه دهد.

در آن زمان چون لای هلنا نقطه نظر رهبری شما را به بقیر بالوکو مطرح کرد، که بر مبنای آن آلبانی، به شبهه کشوری کوچک احتیاجی به سلاحهای سنگین نداشته و در موقعیتی نبوده که طیرقم ککلهای نامحدود نظامی چین بآلبانی بتنهائی از خود در مقابل تهاجم خارج، جی، خاصه از سوی شوروی سوسیال امپریالیست و امپریالیسم آمریکا، دفاع کند. بنابراین، بنا به نظر چوئن لای، تنها راهی که در مقابل آلبانی برای مقابله با هجوم خارجی باقی میماند، همانا دست زدن به تاکتیک جنگ پارتیزانی و انعقاد يك پیمان نظامی با یوگسلاوی و رومانی میبود.

زمانیکه هیات نمایندگی ط بکشورمان بازگشت، بقیر بالوکو بعربی سیاسی را از پیشنهاد چوئن لای مطلع نمود. بعربی سیاسی کمیته مرکزی متفقا این پیشنهاد خدانقلایی و ضد آلبانی چوئن لای را محکوم و رد نمود. بقیر بالوکو که در گذشته به تصحیحات بعربی سیاسی وقع میگذاشت اضافه نمود که گویا مخالفت خود را با پیشنهاد چوئن لای اعلام داشته است. ولیکن مدارک بعدا ثابت نمود که بقیر بالوکو در واقع در توافق با این پیشنهاد رهبری چین بوده و بطور مخفیانه دست به کار این برنامه استراتژیک خصمانه بر علیه جمهوری سوسیالیستی آلبانی شده است.

چوئن لای همین این پیشنهاد خود را در ژوئیه ۱۹۷۵ به هیات نمایندگی آلبانی که بهکن برای انعقاد قرارداد ششمین برنامه ۵ ساله ۱۹۸۰-۱۹۷۶ کک اقتصاد چین به آلبانی، سفر کرده بود تکرار نمود. این طرح مجددا توسط هیات نمایندگی ط بشیوه ای صریح و قطعی رد شد.

رهبری حزب ط پیشنهاد پیرامون پیمان نظامی چوئن لای را که میخواست با تحمل کتف را کوششی با ط هیئت ارتجاعی از سوی رهبری چین جهت کشاندن آلبانی سوسیالیستی بدام نقشه های جنگ افروزانه از طریق پیمانهای نظامی با هدف تبدیل منطقه بالکان بیک انبار محترقه، به پیمانگونه که سوسیال امپریالیستهای شوروی و امپریالیستهای آمریکائی مطیعینند، محسوب کرد.

ط اطلاعی نداریم که آیا یوگسلاوی و رومانی از این برنامه ی رهبری چین اطلاع

حاصل نمودند. ولیکن حتی در حال حاضر ط شاهد این ساله هستیم که رهبری چین اشتیاق وافر و غیر عادی برای دخالت در امور بالکان نشان میدهد تا کارها را بنهم زده و آتش جنگ را در این منطقه حساستراریا برافروزد. ولیکن ط اطمینان داریم که خلاقهای بالکان هیچ گاه قبول نخواهند کرد تا بجان یکدیگر انداخته شوند، آنها هیچگاه قبول نخواهند کرد تا به ابزارهای امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روسیه و یا هر دو بنیم چین بدل شوند.

این اعمال رهبری چین و مخالفت حزب ط با این اعمال ارتجاعی در بعد ها، نتایج جدی را در ارتباط با روابط میان دو کشورمان دربر خواهد داشت. حزب ط هیچگاه در مسائل داخلی چین دخالت نوزیده است. ولیکن رهبری چین در موارد مهمی بطور چنایتکارانه ای در امور داخلی آلبانی دخالت نموده است. ط این فاکتورها را در موقعیت مناسب انتشارهائی خواهیم داد. چنانچه این اعمال مردود رهبری چین در همکاری با خائنین آلبانی بخصوص مرسید، جمهوری توده ای سوسیالیستی آلبانی، ضمیمه میشود و استقلال و تطمیت خود را از دست میدهد.

۸ - در حالیکه حزب ما در جهت تقویت همکاری‌های رفیقانه با چین فعالیت میکرد و در حالیکه میخواست با تکیه بر اصول مبارزه علیه امپریالیسم، رهین‌خویم مدرن و ارتجاع را در جبهه ای متحد با تمل احزاب و نهروهای مارکستی - لنینیستی تعمیق بخشد، چین همه چیز را فقط از زاویه خودش میدید، و میخواست با کشیدن دیگران به زیر سلطه خود، آنها استراتژی و تاکتیک او را دنبال کند.

واقعی که در شرف تکوین بودند هرچه روشن تر نشان داد که مبارزه سیاسی و ایدئولوژیکی حزب کمونیست چین علیه خروشجهت‌ها از یک بنیان محکم برخوردار است و در حقیقت هدف آن دفاع از مارکسیسم لنینیسم، انقلاب و آزادی خلقها نبود و صرفاً بخشا طرف اهداف برآمگانه‌ستی و منافع خودخواهانه صورت پذیرفته بود. این امر، در تخریب استراتژی چین، تغییری که با سفر نیکسون به چین رسماً مظهر و نشان خورد، همان گشت.

در تابستان ۱۹۷۱، آلبانی که نزدیکترین متحد چین بشمار میآمد، از طریق خبرگزاری‌های خارجی، خبر همه جا پیچیده، سفر مخفی کیسینجر به پکن را در نهایت کرد. مذاکراتی که بیانگر یک تغییر رادیکال در سیاست چین بود با وی صورت گرفته بودند. اینبار نیز مانند همیشه، هرچه مسئله مربوط به یک چرخش اساسی سیاسی، چرخش در روش استراتژیک بود، حزب کمونیست چین و دولت چین، ضروری ندانستند تا با حزب کار و دولت آلبانی نیز مذاکرات مقدماتی انجام دهند و به بنهند که عقاید آنها چیست. رهبری چین دیگران را در مقابل یک کار انجام شده قرار میداد به این خیال که آنها بی باید بدون ابراز کلمه ای اطاعت کنند.

برای حزب ما روشن بود که سفر نیکسون به پکن، ارتقاء مذاکراتی که تا آن زمان میان سفرای چین و آمریکا در ورسود در جریان بود نبوده و برای ترضیف "دیپلماسی مردمی" و هموار کردن راه برای ارتباط با مردم آمریکا، آنچنان که رهبران چین ادعا میکردند نبود. سفر نیکسون به پکن پایه های اساسی یک سیاست جدید را از جانب چین مهنگاشت.

با سفر نیکسون، چین به صحنه رقاص اتحادهای امپریالیستی و رقابت برای تقسیم مجدد جهان، جایی که چین نیز سهم خود را بدست آورد وارد شد. این سفر راهبردی ایجاد رابطه و همدستی با امپریالیسم آمریکا و متحدینش هموار کرد. همزمان با برگزاری مراسم اتحاد با ایالات متحده آمریکا، جدائی رهبری چین از کشورهای سوسیالیستی اصل و جنبش مارکستی لنینیستی، انقلاب و مبارزه آزادیبخش ملی خلقها نیز آغاز شد.

این اتحاد و ملاقات در پکن، میان رهبری چین و نیکسون رئیس جمهور آمریکا، در زمانی صورت میگرفت که امپریالیسم آمریکا جنگ وحشیانه اش را در ویتنام قهرمان به پیش میرد،

در زمانی که از تمل ابزارهای جدید جنگ، بجز بمب اتمی، برای کشتار خلق برادر و قهرمان ویتنام و تهدید ویتنام به خاکستر استفاده میکرد. این اتحاد دهنشکاف و تماسهای بین چین و آمریکا، عملیاتی مردود و با نتایجی خائنمان برانداز برای خلقها بودند.

بنا بر این و با در نظر داشتن این چرخش خطرناک در سیاست خارجی چین، کمیته مرکزی حزب کار آلبانی در تاریخ ۶ اوت ۱۹۷۱ نامه مفصلی به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین فرستاد و بی هیچ شبهه ای اصرار ورزید که این چرخش چین در تضاد با منافع مردم خود چین، انقلاب و سوسیالیسم میباشد. نامه مزبور از جمله بی نچسبند:

"تصمیم شما برای استقبال از نیکسون در پکن بطور ما ناصحیح و ناپسند است، و مورد قبول نبوده و ما نیز از آن حمایت نمیکیم. همچنین معتقدیم که سفر اعلاّم شده نیکسون به چین، برای خلقها، انقلابیون و کمونیستهای کشورهای مختلف ضرر قابل قبول بوده و مورد تائید آنها نمیشد.

"..... استقبال از نیکسون در چین، کسی که ضد کمونیسم دهرانه و ارض آشکار بوده و بعنوان یک تجاویز کار، جلا د خلقها و نماینده سیاه تین ارتجاع آمریکا میباشد، زبانههای زیادی داشته و نتایجی منفی برای جنبش انقلابی و آرمانهای ما خواهد داشت. سفر نیکسون به چین و مذاکره در آنجا نمیتواند ابهامات زبان آوری رادریان پایه ها، خلقها و انقلابیون در باره امپریالیسم آمریکا و سیاست و استراتژی آن پرنیانگیزد.

"..... مذاکره با نیکسون به رهین‌خویمتها امکان میدهد تا تمل مبارزه بزرگ یلمیک‌های حزب کمونیست چین در افساء خاتهن شوروی بمشابه متحدین و همکاران امپریالیسم آمریکا را نلی نمایند و موضع چین نسبت به امپریالیسم آمریکا را با مشی خائنانه سازش‌روریز - یخویمت‌های نسبت به آن یکسان قللمداد نمایند. رهین‌خویمت‌های خروشجفی خواهند توانست تله‌رجم در رفین ضد امپریالیسم را هرچه بهیشترو با خود نمائی بلند کنند و تبلیغات فریبکارانه و هولم فریبانه خود را جهت جلب نهروهای ضد امپریالیستی افزایش دهند.

"سفر رئیس جمهور آمریکا به چین به شک و سوخفاهم در میان پایه ها با خواهد داد و آنها ممکن است به شک افتاده و فکر کنند که چین دارد موضع خود را نسبت به امپریالیسم آمریکا تغییر میدهد و خود را درگیر بازی ابرقدرتها نموده است.

"..... استراتژی ما وحدت نزدیک با خلقهای مبارز سرتاسر جهان و تمل انقلابیون بر پایه یک جبهه واحد علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم را طلب میکند و هرگز اتحاد با سوسیال امپریالیسم شوروی را با ادعای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و اتحاد با امپریالیسم آمریکا با ادعای مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی را نمی پذیرد."

در خاتمه نامه فوق خاطر نشان میکند که " منی و نظریه کارآلبانی همواره اصولی و پیگیر و بدون تغییر باقی خواهد ماند. ما بدون هیچ سازشی و با استواری تمام بر علیه امپریالیسم آمریکا و رهیروزیسم شوروی مبارزه خواهیم کرد. " نامه فوق اعلام کرد که آمدن و اراجحت اظهارات حزب کارآلبانی به یک حزب برادر " با روحیه رفیقانه برداشت شده و درست ملاحظه شود. "

رهبری چین موضع هیبتگی خود را در مجال این نامه اتخاذ کرد و برنامه جواب دادن به آنرا نداشت. با اینکه رهبری چین، نه تنها بیماری خود بزرگ بینی یک دولت بزرگ را آشکار ساخت، بلکه همچنین هراس خفیه را از مواجه شدن با استدلالات مارکسیستی - لنینیستی، اصولی و درست عیب ما همان کرد. کنگره ششم حزب کارآلبانی، در حقیقت دو ماه بعد از تاریخ این نامه منعقد شد. فرصت خاصی بود تا با هیبت نمایندگی چین که به این کنگره دعوت شده بودند تبادل نظر صورت گیرد و مواضع طرفین روشن شود. ولیکن در این مورد نیز رهبری چین، با بافتاری بر روی نگی مشورت و بر طرف کردن اختلافات از طریق مذاکره، موضعی در نقش صام براتیک و روابط بین المللی همان احزاب برادر اتخاذ نمود و در توجیه عدم ارسال هیبت نمایندگی به کنگره حزب ما، بهانه هایی بی پایه سرهم کردند. " حزب کمونیست چین بجز از این زمان به بعد ارتباط با حزب ما را قطع داد و رابطه میان احزاب را صرفاً بر روی یک رسی تبدیل کرد. "

تغییرات عمده ای در چین محضول مبارزه داخلی درین حزب کمونیست آن، جایی که تضاد های صفتی موجود بودند و " صدگل شکفت و صد مکتب رقابت کرد " و طرفداران خروش جف، طرفداران آمریکا، اپورتونیست ها و انقلابیون در رهبری بودند، می باشد. این امر حسب تغییرات عمده ای در فضای سیاسی حزب کمونیست چین، نظرات متزلزل، اپورتونیستی و متضادش در مبارزه امپریالیسم آمریکا، رهیروزیسم مدین و ارتجاع جهانی را روشن میکند. محور سیاست چین در رهبری در سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۳ به بار تغییر کرده است. نخست، حزب کمونیست چین از قبول استراتژیک " جبهه واحد با شوروی و سایر رهیروزیست ها علیه امپریالیسم آمریکا و متحدینش " پیروی میکرد. بعداً، " حزب کمونیست چین شعار " جبهه واحد به مبارزه و پیروزیها و غلبه های انقلابی تمام کشورها بر علیه امپریالیسم آمریکا، رهیروزیسم شوروی و ارتجاع کشورهای مختلف " را به پیش نگه دارد. پس از سفر نیکسون به چین، استراتژی چین بار دیگر از " جبهه واحد و متحد " سخن میراند، ولی اینبار شامل " تمام کسانی که بتوان با آنها متحد شد " و با دربر گرفتن حتی ایالات متحده آمریکا بر علیه سوسیال امپریالیسم شوروی میباشد. "

۹- بعد از تجدید روابط با امپریالیسم آمریکا و چشمک زدن به ایالات متحده، آمریکا و متحدینش، رهبری حزب کمونیست چین، تئوری ضد مارکسیستی و ضد انقلابی " سه جهان " را اعلام نمود و آنرا به مثابه استراتژی انقلاب قلمداد کرد و کوشید تا آنرا بنسبه جنبش کمونیستی مارکسیستی - لنینیستی و تمام مردم دنیا، بعنوان خط مشی عصبی مبارزه شان تحمیل نماید. "

حزب کارآلبانی و همچنین حزب کمونیست چین، بجز در زمانی که مشترکاً علیه رهیروزیسم مدین و رهیروزیسم خروش جف مبارزه میکردند به اصول پایبند بوده و تا نگید گویند که " حزب مادر " و " حزب دختر " وجود ندارد، که هر حزبی از این حق برخوردار است تا درباره مسائل نظرات خود را داشته باشد، و آن حزبی حقیقتاً کمونیست و انقلابی است که به این مسئله از زاویه مارکسیسم لنینیسم بنگرد. حزب کمونیست چین، این اصول و معیار ها را از همه جهات پلیمال کرده و میکوشد تا چرخش ضد انقلابی چین، در وحدت بسا امپریالیسم آمریکا و ارتجاع جهانی را به تمام مارکسیست لنینیست ها تحمیل نموده و مجموعاً جنبش آزاد بخش و انقلابی را وادارد که این درک های ضد لنینیستی در تحلیل از امپریالیسم، شرایط کنونی جهان، اتحاد ها و غیره و غیره را بعنوان حقیقت مطلق و مسلم قبول نماید. براتیک در بیشتر موارد نشان داده است که حزب کمونیست و دولت چین، مسائل بین المللی را از زاویه مارکسیسم لنینیسم و مفاع انقلاب و مبارزات آزاد بخش خلقها بررسی نکرده اند. سیاست چین، سیاستی پراگماتیک است و هر از این نیز نمیتواند باشد، چرا که استراتژی و تاکتیکش این چنین میباشد. بهمین جهت، دنیا شاهد چرخشهای استراتژیک و تاکتیک چین بوده و در آینده نیز خواهد بود. این چرخشها، مارکسیستی - لنینیستی قلمداد میشوند، ولیکن در حقیقت ضد مارکسیستی بوده و چرخشهایی در خدمت ضابط دولت بزرگ چین در پی اتحاد با امپریالیسم آمریکا، سوسیال امپریالیسم شوروی و سرمایه جهانی در جهت ایجاد و ساختن یک ابر قدرت امپریالیست از چین میباشد. "

در ظل حاضر، نقشه چین جهت تبدیل به یک ابر قدرت، تبلور متمرکز خود را در تئوری " متضخ " سه جهان یافته است. تئوری " سه جهان " میخواهد تا بجای مارکسیسم - لنینیسم، یک ترکیب آکنیک از ایده و تزهای اپورتونیستی، رهیروزیستی و آنارشستی - ضد یکالیستی قرار دهد، می خواهد تا روحیه انقلابی پرولتاریا و مبارزه طبقاتی را سرد کرده و اتحاد با بورژوازی و امپریالیسم را تبلیغ می نماید. تئوری " سه جهان " با این ادعا که گویا شرایط برای انقلاب آماده نیست، میخواهد تا شرایط کنونی، شرایط ظلم و استعمار سرمایه داری، استعمار و استعمار نو را حفظ نماید. "

نهر لوای در زمین دفاع از استقلال ملی در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی ، که امروز تنها خطر و تهدید قلمداد میشود ، چنین مطلقاً تا خلقها از مبارزه برای آزادی ملی ، اقتصادی و اجتماعی دست برداشتموه امپریالیسم آمریکا و سایر نیروهای سرمایه داری غرب ، اسفمارگران گذشته ، تسلیم شوند . چنین بروی تقویت بازار مشترک ، و اتحاد اروپا ، ارگانهایی که جهت حفظ پروتاریهای اروپا در وجهیهای سرمایه داری و رواداشتن ظلم و استعمار به خلقهای سایر کشورها برپا شده اند ، با فشاری میکند . تئوری " سه جهان " از طریق با دادن به مسابقه تسلیحاتی ابر قدرت ها و تکیه بر ابزارهای جنگ امروزی امپریالیسم آمریکا ، چون ناتو و سایر بلوک های نظامی ، جنگ جهانی امپریالیستی را تحریک می نماید . تئوری " سه جهان " برده ایست جهت استقرار امپال چین برای هموطنی بر آنچه جهان سوم " مینامد . تصادفی نیست که چین خود را در شمار " جهان سوم " قرار داده و خود را بعنوان رهبر آن در عرصه جهان قلمداد میکند . تصادفی نیز نیست که رهبری چین با " غیر متعهد ها " لاس زده و می خواهد آنها را به زیر بال خود بکشد .

رهبری چین اولین کسی نیست که " محبت " و " توجه " خود را نثار باصطلاح " جهان سوم " کرده باشد . امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها و سایر استعمارگران نو ، مدت ها قبل از آن ، بمنظور تسلط و به انقیاد در آوردن کشورها و خلقهای این " جهان " ، تئوریهای مختلفی را درباره " جهان سوم " بکار برده اند .

بنابراین ، کوشش رهبری چین و ادعای اینکه این تئوری را برای اولین بار در سال ۱۹۷۴ بر پایه باصطلاح ارزایی یعنی از شرایط جهانی توسط مائوتسه دون ، ارائه داد مانند بی نتیجه می باشد . همه میدانند که تئوری " سه جهان " توسط ارتجاع جهانی ابداع شده است . حزب کارآلبانی و دولت آلبانی این برداشتهای علی و تئوریک مربوط به " جهان سوم " در عرصه جهانی را ، از سال ۱۹۶۰ و حتی قبل از آن ، بمغایه مانورها و توطئه های بورژوا سرمایه داری ، نو استعماری و نوآبادیستانه ، جهت سرکوب خلقهای که برای استقلال و آزادی مبارزه میکنند ، افشاء کرده و بر علیه آن مبارزه نموده است .

" خدمات " رهبران چین به تئوری " سه جهان " صرفاً در " اثبات " ضرورت سازش " جهان سوم " با امپریالیسم خلاصه میشود ، آنها هیچ چیزی را کشف نکرده اند ، آنها اتحاد " جهان سوم " با امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیست ها را جهت دریافت کمک از آنها برای تبدیل چین به یک ابر قدرت امپریالیستی اختراع نموده اند .

در نتیجه ، این حزب کارآلبانی نیست که مخترع یا قهرمانان چینی این تئوری را به باد حمله گرفته است ، بلکه دقیقاً آنها هستند که نخست حزب کارآلبانی و مبارزه اش علیه این

تئوری ارتجاع جهانی را بر حمله گرفته اند . مبارزه ای که حزب کارآلبانی در دفاع از آزادی و استقلال خلقهای افریقا ، آسیا و آمریکا لاتین و غیره دنبال کرده است .

بکار بستن تئوری " سه جهان " ، رهبری چین را حتی به اتحاد با " شیطان " ، اتحاد با امپریالیستهای آمریکائی و انحصارگران اروپا ، فاشیستها و نوآبادپرستان ، شاهان و اشراف فئودال ، هارتین نظامی گران و جنگ طلبان نیز کشانید و بینچشمه و فرانکو ، و فران های نازی سابق و ریاست آلمان و ارتش امپراطوری ژاپن ، جنایتکاران به لباس میش درآمده ای چون مویتو و شاهان خوشخوار ، اربابان آمریکائی و روشای شرکتهای بین المللی ، متحده پس آن شده اند .

این مشی ضد انقیاد ، رهبری چین را به اتحاد با تیتو ، کائیلو و سایر رهبرینو - نیست ها کشانید ، است . زمانی بر علیه تیتو بود ، حال آنکه اکنون با او متحد شده است . این عمل نشاندهنده فقدان اصول مارکسیستی - لنینیستی و تزلزل در مشی از جانب آنها میباشد . ولیکن حزب ما میخواهد تا به رهبری چین بگوید که اتحاد گفنی شما با تیتو و اتحاد های مشکوکی که شما میکوشید در بالکان سرهم کنید ، خطر بزرگی برای خلقهای ایسین شبه جزیره ، برای خلقهای یوگوسلاوی ، آلبانی ، یونان ، ترکیه و سایرین ، در بر دارد . آلبانی کاملاً نسبت به نقشه ها و امپال رهبری چین نسبت به بالکان آگاهی دارد . بنابراین خلقهای جهان باید در برابر دسیسه های چین در این منطقه هوشیار باشند .

۱۰ - حزب کارآلبانی هر کوششی را بکار برده است تا اختلافات بوجود آمده میان دو حزب ، اختلافاتی که با گذشت زمان قطعی تر میگردند را از طریق مارکسیستی - لنینیستی حل نماید .

کمیته مرکزی حزب کارآلبانی ، با حرکت از این خواست ، با مشاهده بی جواب گذشته شدن نامه هایش توسط رهبری چین و امتناع آنها در رابطه با فرستادن هیئت های رسمی به آلبانی ، با مشاهده وسعت یافتن اختلافات با رهبری چین ، بیکار تماند و بلکه به کوشش های دیگری جهت برقراری مذاکرات رفیقانه با آنها دست زد .

بدین منظور ، در ژانویه ۱۹۷۴ کمیته مرکزی حزب ما به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین پیشنهاد نمود که یک هیئت عالی رتبه حزب و دولت ما برای انجام مذاکرات به چین برود و این سفر در شش ماه اول سال ۱۹۷۴ انجام شود . رهبری چین ، گرچه رسماً با ایسین پیشنهاد حزب ما موافقت کرد ، ولیکن در حقیقت با سفر هیئت نمایندگی ما به پکن موافق نبود . رهبری چین نخست بما گفت که هیئت نمایندگی باید در شش ماه دوم سال ۱۹۷۴ بیایند ، بعداً این سفر را به شش ماه اول سال ۱۹۷۵ عقب انداخت . بالاخره ، آنها در زمانیکه

شاهان و شاهزاده ها و ارتجاعین و فاشیستها با جلال تمام در بکن استهلال میشدند. در مورد این مسئله سکوت اختیار کردند و بدین ترتیب مذاکرات را سد نمودند. روشن بود که رهبری چین مصممانه راه ضد مارکسیستی اش را دنبال میکند و در رابطه با حزب و کشورها بوسه ایده های شوونیستی یک کشور بزرگ هدایت میشود و میخواهد که مشی اش بدین هیچ تهد و شرط و چون و چرائی قبول شود.

در زمانیکه رهبری چین از برقراری هرگونه تماس و بحث و مشورت اجتناب میکرد، در زمانیکه با غرور و تکبر میکشید تا تئوری "سه جهان" را به جنبش مارکسیستی - لنینیستی تحمیل نماید، حزب کارآلبانی چه کاری میبایست میکرد؟ نفی خود و کردن نهادن به مشی ضد مارکسیستی حزب کمونیست چین؟ دست برداشتن از مبارزه علیه امپریالیسم و رهیونیزم مدین و اتحاد با دشمنان انقلاب، سوسیالیسم و آزادی و استقلال خلقها؟ جدانشدن از انقلابین مارکسیست - لنینیست و پیوستن به اپورتونیستها و بورژوازی ارتجاعی؟ دست بسر داشتن از حمایت بیارزات آزادیبخش ملی خلقها بر علیه ابر قدرتها و نوکرانشان در میان این سردم؟

حزب کارآلبانی به مارکسیسم لنینیسم و مشی صحیح و انقلابی که همواره قاطعانه و بدون تزلزل و مصممانه دنبال کرده است وفادار ماند. حزب کارآلبانی این مشی را در کنگره هفتمش، جایی که نظرات و مواضع خود را درباره مسائل صده امروزی بین المللی، انقلاب و مبارزه آزادیبخش خلقها مطرح نمود، نهزیم پیش گذارد. حزب ما، همانند تمام کنگره ها دیگرش، در کنگره هفتم نیز نظراتش را پیرامین مسائل مربوط به جنبش مارکسیستی - لنینیستی با روحیه انترناسیونالیسم پرولتاری مطرح کرد. مشی کنگره هفتم، که با اتفاق آراء توسط تمام حزب ما تصویب شده است، اساس تمام سیاست داخلی و خارجی کشور ما را تشکیل میدهد. این مشی مارکسیستی - لنینیستی حزب ما، سیاست مستقل آلبانی سوسیالیستی، و موضع اصولی و مستحکم خلق آلبانی، که همواره در تضاد با مشی و سیاست ضد مارکسیستی و بزرگ قدرتی رهبری چین قرار داشته است، عامل واقعی و صده نظرات ضد آلبانیسی و صلکدر کنگره مرکزی حزب کمونیست چین و دولت چین در قطع یکجانبه کمک های نظامی و غیر نظامی به آلبانی میباشد.

این مسئله بوضوح پس از کنگره هفتم حزب کارآلبانی، زمانیکه رهبری چین کلهسه ضوابط رابطه میان احزاب برادر را باهمال کرده و با عجله کنگره هفتم حزب ما را، بر این لوا که گویا به چین و حزب کمونیست چین و مائوتسه دن حمله کرده، پهباد حمله گرفت روشن شده است.

این اتهام رهبری چین بی پایه میباشد، زیرا کافی است تا مدارک کنگره هفتم، که تماما گفتمی نیز شده اند را مطالعه نمایم. برای هیچ کس مشکل نیست که به ببند این مدارک هیچ حمله ای را علیه چین، حزب کمونیست چین و یا مائوتسه دن در بر ندارد. کنگره مرکزی حزب کارآلبانی در نامه ای بتاريخ ۲۴ دسامبر ۱۹۷۶ از کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درخواست کرده است تا نشان دهند که حزب ما در کجا به حزب کمونیست چین و مائوتسه دن حمله کرده است. تا این تاریخ، رهبری چین، طبق معمول، جوابی نداده است.

ولیکن مسئله در "حملاتی" که وجود ندارند، خلاصه نمی شود. ختم و تکبیر رهبری چین نسبت به کنگره هفتم ناشی از این حقیقت است که حزب ما تنها و نظرات ضد مارکسیستی چین و تئوری ضد انقلابی "سه جهان" اش را قبول نکرده است. حزب کارآلبانی، بمشابه یک حزب اصیل مارکسیستی - لنینیستی، موافق بحث درباره مسائل میباشد، ولیکن هیچگاه دستور یا امریه از هیچکس در این باره که چه مسائلی را باید به پیش گذارد و چگونه باید نظراتش را در کنگره هایش مطرح سازد نپذیرفته است. در نتیجه، هرگز اجازه نداده است که هیچ حزبی، چه بزرگ و چه کوچک و از جمله حزب کمونیست چین در مسائل داخلی اش دخالت کرده و عملکردش را باو دیکته کند.

۱۱ - تغییرات مدایی در رهبری حزب کمونیست چین در رابطه با مشی، استراتژی و ترکیب آن صورت پذیرفته اند. حزب کارآلبانی هرگز از این یا آن گروه اشخاص که از رهبری حزب کمونیست چین برکنار شده اند دفاع نکرده است. ما نظرات خود را در مورد همه مسائل و هر شخص و گروهی از رهبری چین داشته و خواهیم داشت و این امری طبیعی است. رهبری کجایی چین از حزب کارآلبانی خواست تا از تغییراتی که در سطح رهبری حزب کمونیست چین صورت داده است پشتیبانی نماید. از آنجا که ما چنین نکرده ایم، باین نتیجه رسیده اند که ما هوادار این بیاتو و "داردسته جبارنفر" هستیم. در هر دو مسئله اشتباه میکنند و این یکی از دلایل صده و پوشیده سیاسی و ایدئولوژیکی ایست که رهبری چین را به قطع کمک به آلبانی ترغیب کرده است. رهبری کجایی چین خواسته است که حزب ما از فعالیتهای غیر مارکسیستی - لنینیستی و غیر قانونی اش در غلب قدرت دولتی در چین حمایت نماید. حزب کارآلبانی هرگز اصول مارکسیستی - لنینیستی را باهمال نکرده و هرگز ابزار دست هیچکس نبوده و نخواهد بود.

دلیل واقعی تصمیم چین در قطع کمک به آلبانی، در اختلافات ایدئولوژیکی و سیاسی و تضاد با حزب کارآلبانی و ناکام ماندن کوششهای رهبری چین در تحمیل مشی و نظراتش به

هم دشمنان و هم موعظه های رهبری چین با شکست مواجه خواهند شد . عمل
ارتجاعی که بر علیه آلبانی صورت گرفته است ، در مقابل وجدان هر زن و مرد صادقی در دنیا
نفرت انگیز می باشد . آلبانی کرجه تحت محاصره است ، ولیکن منفرد نیست ، زیرا از احترام
و عشق پرولتاریای جهانی ، خلفهای مدافع آزادی و زنان و مردان صادق در سرتاسر جهان
برخوردار است و این احترام و عشق در آینده هرچه بیشتر خواهد شد . آرمان ما برحق است .
پیروزی با آلبانی سوسیالیستی است .

کمیته مرکزی حزب کار آلبانی .

شورای وزیران جمهوری نودم ای سوسیالیستی آلبانی .

تیرانا ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۸